

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تکثیر از

۱۲ صفحه - قیمت ۱۵۰

سازمان دانشجویی

فریاد

فکران مبارز می گویند:
مبارزه با امپریالیسم یعنی
افشاء و لغو قراردادهای استعماری

صدور نفت به کشورهای نژادپرست
و تجاوز کار اسرائیل، افریقای
جنوبی، رودزیا، آفستای
قراردادهای ننگین کنسرسیوم
بین المللی نفت و پاکسازی
بقیه در صفحه ۱۰

ضد امپریالیستی خلق های میهن ما
باشند. آنها همچون گذشته به
رسالت تاریخی خود در به ثمر
رسانیدن قسمتی از اهداف فوری
انقلاب، یعنی طرد کارشناسان
رنکازنگ دول امپریالیستی - قطع

مبارزات ضد امپریالیستی
خلق های میهنان روح تازه ای
یافته است و بدون شک فکتران
قهرمان ایران به پشتوانه سابقه
درخشان مبارزاتی گذشته شان
می توانند و باید بر چمدان مبارزه

نظری بر صف آرایی های جهانی

دوستان و دشمنان جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک
خلقهای ایران و جهان

لیبرالها و فنودالهای مرتجع در عمان با بختیار تماس می گیرند و سازماندهی می شوند
حکومت فاشیستی عراق علیه مردم موذیانه می کند

نیمونه های مانند کوبا و بیتنام
قهرمان جستجو شود.
فشار اقتصادی آمریکا، با بلوکه
کردن (مسدود کردن) دارایی های
بقیه در صفحه ۸

استراتژی امپریالیسم آمریکا تنها
بازمانده ای اقتصاد کشور برای این
"تاز توده ها" و "قدرت توده های
در هم شکسته می شود. و این سر
آنچنانکه قبلا نیز بازگو کردیم باید در

تسخیر سفارت آمریکا در تهران و
بی آمده های آن، در عرصه جهانی
بازتاب وسیع داشته است. مادر "کار"
شماره ۳۶ صفحهای نیروهای
درون حاکمیت را مرور کردیم و در
این شماره مانعکس تسخیر سفارت
امریکا در عرصه جهانی، موضع گیری
جریان های امپریالیستی و
حکومت های دست نشانده
امپریالیسم از یک سو و جنبه گیری
نیروهای ترقی خواه را در برابر آن از
سوی دیگر مرور خواهیم کرد.

در این شماره:

مبارزه ضد امپریالیستی

و سیاست ضد انقلابی شورای انقلاب

در صفحه ۲

اعدام بهروز بهروز نیا آلسرا انقلابی گروا

محکوم میکنیم

بقیه در صفحه ۲

تعدادی از پرسنل انقلابی ارتش

تحت عنوان باصطلاح پاکسازی اخراج شده اند

در صفحه ۹

انقلاب کبیرا

به منزلت آغاز و مقدمه انقلابیات پرولتری سراسر جهان

لنین از فوریه تا اکتبر

در صفحه ۳

گفتگوی کوتاهی با یکی از رفقای سازمان

«ارتش آزاد بیخس خلق ترکیه»

(اتحاد مبارزه)

در صفحه ۶

قسمت آخر

محافل ارتجاعی نزدیک به شورای انقلاب
و مذاکرات صلح در کردستان

به دنبال ایجاد محیط سیاسی مساعد برای حل تفاهم آمیز مسائل
کردستان، هیئت نمایندگی خلق کرد همواره با تلاشهای جنگ -
طلبانه محافل ارتجاعی روبرو بوده است.

این محافل می گویند که محیط تفاهمی که به وجود آمده، آسب
رسانند و سیاست جنگ طلبانه خود را به پیش رانند. آنان در عین حال
سعی دارند که در صفوف نیروهای ترقی منطقه شکاف اندازند و
جنبش مقاومت خلق کرد را تضعیف کنند. تلاش این محافل همیشه از
سوی خلق کرد و هیئت نمایندگی آن محکوم و افشاء شده است. چنانکه
سخنان جنگ طلبانه و تفرقه افکنانه آیت الله منتظری امام جمعه تهران
و هاشم صباغیان عضو هیئت نمایندگی دولت مورد اعتراض وسیع و
سرتاسری خلق کرد قرار گرفت.

آخر اموج تبلیغات "مصلح" این محافل بالا گرفته است.
مباحثها و گفتارهای رادیو - تلویزیونی، مقالات روزنامه های رسمی
و غیر رسمی و البته بشورای انقلاب، هر کدام به گونه ای سیاست
"مصلح" را افشاء می دهند.

آنچه که در این تبلیغات بطور برجستهای خود نمائی می کند،
بی اعتنائی این محافل به خواست توده های ملیونی کرد و نادیده
گرفتن حقایق مربوط به کردستان است. کوردلی و تنگ نظری که
محصل منافع طبقاتی حقیر اینان است، چشمشان را بر روی واقعیات
بسته است.

این دسته تصویری کنند که با تعریف حقایق و تعمیل نظرات
و باورهای خود قادر خواهند بود توده های ملیونی کرد را که در جنگی
مادله اینان پیروز شده است به عقب رانند و با "حق ذاتی" از موضع
قدرت "دخوش سازند".

اینان هنوز فکر میکنند که تنها "توده ها" متضاد برای قدرتند
اینان هنوز درنگ نکردند که وقتی توده های ملیونی برای تحقق
خواسته ها و آرمان های خود به هم می خیزند، دیگر کسی نمی تواند جدا
از توده های به باخته ادعای قدرت کند. در چنین شرایطی قدرت از
آن نیرویی خواهد بود که در مسیر خواسته های "توده ها" گام بردارد و
وسیع ترین و عمیق ترین پیوندها را با آنان برقرار کند.

تا توانی در درک حقایق فوق بوجهم فرو بستن بر حقایق واقعیات
کردستان و جنبش مقاومت خلق کرد، بدان با سیاست کف مسر سیاسی
روزنامه انقلاب اسلامی در مقاله ای تحت عنوان "طوفان در کردستان"
در کردستان" که در شماره ۱۳۸ - دوشنبه ۱۹ آذرماه ۵۸ درج گردیده،
بقیه در صفحه ۲

بازرگان و یزدی از رفتن شاه به آمریکا
حمایت کردند

با وجود افشاء روابط حسنه یزدی با امپریالیسم آمریکا
توسط دانشجویان پیرو خط امام
چرا یزدی مأمور رسیدگی به شکایات مردم
در سراسر ایران می شود؟

به دنبال تسخیر سفارت آمریکا
و برکناری بازرگان و یزدی از
نخست وزیر و سرپرستی وزارت
خارج که بلاخره رابطه آنرا با این
فضای فاش نکردند و به دنبال
افشاری شماره ۱۳ دانشجویان
پیرو خط امام "مستقر در مرکز
حاسوسی آمریکا، درباره رفتن شاه
به آمریکا و افشای روابط حسنه آقای
یزدی وزیر خارجه وقت سا
امپریالیسم آمریکا که در روزه شبیه
۶ آذرماه ۵۸ انتشار یافت، ساعت
۹ شب همان روز حبیبی کار
رئیس جمهوری آمریکا در سکت،
بقیه در صفحه ۲

تلویزیونی سراسری آمریکا ظاهر
می شود و برای مردم آمریکا از
روابط حسنه امپریالیسم آمریکا با
بازرگان و یزدی سخن می گوید. از
این سخنان کارتر و سخنان دیگر
رهبران امپریالیسم آمریکا که چند
روز قبل از این از شبکه سراسری
تلویزیون آمریکا پخش شد، کاملاً
مشهود است که امپریالیسم آمریکا با
تمام تلاش خود می گوشت محافل
لیبرالی را در ایران تقویت کند و
حکومت ایران را به دست آنان
سپارد تا بدین وسیله دوباره
بقیه در صفحه ۲

مجاہل ارتجاعی نزدیک به شورای انقلاب

ومذاکرات ...

بقیه از صفحه ۱

آشکارا هیئت نمایندگی خلق کردرامتهم می کند که با فتوای ها و مرتجعین کردستان همدستان است. در تفسیر سیاسی این روزنامه نمایندگان سیاسی خلق کرد، نمایندگان فتوای ها و مرتجعین کردستان معرفی شده اند. برای اینکه نشان دهیم که چگونه حقایق وارونه جلوه داده می شود، ترجیح می دهیم که خود روزنامه انقلاب اسلامی استناد جوئیم. در شماره ۹۴ مورخ ۲۳ مهرماه ۵۸ - یعنی در آغاز جنگ کردستان گزارشی از حاج مهدی بهادران در همین روزنامه درج گردید که متحدین و همدستان فتوای ها و خوانین کردستان را به شرح زیر معرفی می کرد:

"بعضی ادله و شواهد در دست است که در کردستان و از بیابان غربی یک توطئه مرموز در جریان است زیرا فتوای ها و مالکین که در رژیم گذشته عامل اجرائی شاه در منطقه بوده اند که توسط افرادی نظیر آقای دکتر جمران، تیمسار ظهیرنژاد فرمانده لشکر ۶۴ سرهنگ شهبازیان و سایر فرماندهان ارتش ژاندارمری تا بن دندان مسلح شده اند و در برابر مردم مستضعف که سالیان زیاد از دست فتوای ها جز کشیدمانند، تحت فشار قرار می گیرند."

جالب این است که در این روزنامه در شماره ۱۰۱ مورخه شنبه اول آبان ماه، خود نسبت به آنهایی که در صحت گزارش و مسئولیت گزارش دهنده شک داشتند، اسنادی را منتشر می نماید که بردستی آن گزارش تا کید می کند.

در مقاله طرفداران دمکراسی در کردستان "کار تحریف حقایق به آنجایی رسد که همه جنایات کردستان از قبیل کشتاردهها کودک و زن و مرد بی گناه در "قارنا" - که همین روزنامه "به سوگ آن" نشسته بود - و اعدام ها و سفاکی های "خلخالی جلاد" نه تنها پرده پوشی می شود بلکه این جنایات به شکلی به انقلابیون کردستان نسبت داده می شود به یاد آوریم زمانی که عکس هایی از صحنه های اعدام مبارزین کردستان و رفقای سازمان ما انتشار یافت، همین روزنامه نوشت "وای به حال اسلام اگر این عکس ها واقعی باشد"

امروز که به اندازه کافی اثبات شده است که آن عکس ها واقعی و درست بوده است، اعتقاداتی از آن قبیل که در "طرفداران دمکراسی در کردستان" بیان شده است، این نشان می دهد که تلاش های باند جمران برای از سر گرفتن جنگ در کردستان و راندن کشت و کشتارهای تازه آنچنان وسعت یافته که از روزنامه انقلاب اسلامی نیز سردر آورده است.

تفسیر سیاسی روزنامه پس از دروغ پردازی های فراوان در پایان مقاله به هیئت حسن نیت اعزامی به کردستان توصیه می کند که بر عد م مذاکره با شخصیت های مذهبی و ملی، احزاب و گروه های سیاسی شناخته شده کردستان با فشاری نماید.

تعجب آور نیست هیئت حسن نیت اعزامی از مرکز توصیه های نظیر توصیه فوق را پذیرفته و "با احزاب و گروه ها مذاکره نمی کند." ما به این اعتقاد با نظر نکوش نگاه می کنیم. ما نیز اعتقاد داریم که: "جای تعجب است یک هیئت برجسته سیاسی چنین اظهار نظر نماید. اولاً چگونه می توان با تمامی یک خلق مذاکره کرد؟ جز از طریق نمایندگان همان خلق؟ نمایندگان آن خلق چگونه تعیین می شوند؟ جز از طریق شرکتشان در مبارزات آن خلق؟ مبارزات یک خلق را چه کسی سازمان می دهد و رهبری می کند؟ جز احزاب و سازمان های مورد اعتماد همان خلق؟ ثانیاً مگر هیئت ویژه دولتی اساس ما موریتش برقراری صلح از راه مذاکره نیست؟ مذاکره صلح را با چه کسی باید انجام داد؟ جواب ساده است، امر صلح را همان کسانی می توانستند و باید انجام دهند و به نتیجه برسانند که امر مبارزه و دفاع از آن را نیز برعهده داشتند و آیا براستی شق دیگری غیر از این قابل تصور است؟"

گذشتماز این، تنها مرجعی که رسمیت و مشروعیت نمایندگان خلق کرد را تعیین می کند، توده های خلق کرد هستند و خلق کرد در راهیمائی سرتاسری روز سه شنبه ۶ آذرماه ۵۸، نمایندگان خود و طرح صلح آنان را تعیین و تأیید نمودند.

سازمان ما، به سهم خود همه تلاش هایی را که برای جنگ افروزی و نادیده گرفتن مطالبات حق طلبانه خلق کرد به عمل می آید، محکوم می کند و بیکباره در دست یابی به صلح عادلانه کوشش خواهد کرد.

ما آنهایی را که در صددند بر محیط تفاهم آمیز مذاکرات سایه اندازند، دوسان خلقه های قهرمان ایران و از جمله خلق حماسه آفرین کرد می شناسیم. دوستداران واقعی مردم از این دینه روی برمی تابند و آنان را افتخار می کنند.

بازرگان و یزدی از رفتن شاه به آمریکا ...

بقیه از صفحه ۱

سلطه خود را بر مردم ماتحکیم بخشید. مادر آینده نیز خواهیم کوشید نشان دهیم که چگونه میرالیم آمریکا در هر حرکت خود از چنین مهره هایی حمایت می کند و می کوشد این نمایندگمان سرمایه داری را به قدرت برساند. مادر اینجانبی از سخنان کارتر و سخنگوی راکفلر یکی از بزرگترین سرمایه داران آمریکائی را که از شبکه تلویزیونی آمریکا پخش شده است عیناً نقل می کنیم.

"مدتها بود که قرار بود شاه به آمریکا بیاید و در این مورد با دولت ایران تماس گرفتیم و بهترین دوستان مادر ایران آقای مهدی بازرگان نخست وزیر و آقای دکتر یزدی وزیر امور خارجه به ما گفته بودند که می توانند مردم را آرام نگه دارند."

۲- با دولت ایران (دولت بازرگان) تماس گرفتیم، هم دولت ایران و هم وزارت خارجه قبول و تعهد کردند که امنیت سفارت آمریکا در تهران تضمین کنند. و تا سه روز هم این کار را کردند. ولی متأسفانه با تعویض بعضی از دوستان مادر دولت (آقای بازرگان آقای یزدی) ما بیش از این نتوانستیم کاری بکنیم."

(سخنرانی کارتر در ۲۷ نوامبر برابر با ۶ آذر) "از ماه ژانویه نقشه ای برای آوردن شاه به آمریکا توسط کیسینجر طرح ریزی شد. ما می دانستیم که آمدن شاه به آمریکا باعث عکس العمل های شدید مردم ایران خواهد شد و به همین دلیل دست به اقدامات زیر زدیم. ۱- گارد حفاظتی سفارت را در ایران تقویت کردیم."

اعدام بهروز بهروز نیا افسر انقلابی کرد که از فرمان کشتار خلق ستمدیده کرد خودداری کرده بود، موجب وسیعی از اعتراضات خلق کرد را ایجاد کرد، مردم کردستان ضمن تشییع جنازه این افسر انقلابی، یادآور اگرامی داشتند و این عمل را محکوم کردند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - شاخه کردستان بدین مناسبت اعلامیه ای صادر کرد. در این اعلامیه آمده است:

اعدام بهروز بهروز نیا افسر انقلابی کرد را محکوم میکنیم

آتش افروز معرفی می کنند؟ خلق کرد در سحرگاه اعدام "بهروز نیا" افسر انقلابی کرد بار دیگر خاطرات تلخ جنایات ارتش پاسداران و بیادگاه های خلخالی را به یاد می آورد و از تمام خلق های مبارز ایران و نیروهای ترقیخواه و انقلابی می خواهد این عمل ننگین را که بدون شک تأثیر سوئی بر فضای مذاکرات صلح خواهد گذاشت، محکوم نماید. برقرار باد صلح عادلانه در کردستان مستحکم باد پیوند پسران انقلابی و مبارز ارتش با خلق های مبارز ایران مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق های جهان

سازمان چریک های فدایی خلق ایران - شاخه کردستان ۲۱ آذر ۵۸

اعدام کردند. چه کسانی مردم ستمدیده را در "قارنا" اعدام کردند. چه کسانی دستسور بمباران سردشت را دادند و کدام دادگاه به این جنایات رسیدگی خواهد کرد. شاکرها، باقری هسا فلاخی ها، خلخالی ها و چمران ها چگونه پاسخگوی جنایات خود در کردستان خواهند بود؟ چرا امروز که با شکست مفتضحانه در کردستان روبرو شده اند چهره ایمن جنایتکاران را پنهان می کنند؟ چرا وزارت دفاع مخفیانه دستور عکسبرداری و نقشه برداری از منطقه کردستان را صادر کرده و پنهانی برای کردستان داوطلب استخدام می کند؟ چرا ارتش در کرمانشاه مرتجعین محلی (جاشها) را مسلح می کند؟ و سرانجام چرا بر تمام این اعمال سرپوش می گذارند و همچنان نیروهای جنبش مقاومت را جنگ طلب و

در اولین روز مذاکرات هیئت ویژه دولت با هیئت نمایندگی خلق کرد دیدگاه ارتش ضد خلقی بهروز بهروز نیا افسر انقلابی کرد را به جوخه اعدام سپرد. بهروز نیا به خاطر جلوگیری از حمله هلی کوپترهای ژاندارمری به پیشمرگ ها و ممانعت از بمباران روستاها، فرمانده سردور ژاندارمری را اعدام کرده بود. بهروز نیا به حرم دفاع از جنبش مقاومت خلق کرد و اعدام یکی از مردوران آریامهری ارتش اعدام شد. اما همچنان فرماندهان جانباز ارتش و مسین اصلی کشتار خلق کرد نشان و درجه می گیرند. چه کسانی جوخه های اعدام را در سراسر کردستان برپا کردند و بهترین فرزندان این خلق قهرمان را با سهام بوج مفسد فی الارض

قسمتی از اطلاعیه شماره ۶ هیئت نمایندگی خلق کرد

گفتگوی نای امکانه هیئت ویژه را با افراد غیر مسئول تحت عنوان گفتگوی "مردم" می نموی داسم. حریان کامل گفتگوها و متن سخنانی هادربولسی که از جانب دسرخانه هیئت نمایندگی جنسی کرد در دست همه است به اطلاع هم وطنان آزادخواه و مبارز خواهد رسد. هیئت نمایندگی جو کرد ۲۳ آذر ۵۸

موضع حدی هیئت نمایندگی خلق کرد متأسفانه هیئت ویژه حدی و مسئولان برخوردارند ما عواقب وخیم این امر را یادآور می شویم و امیدواریم در دور بعدی مذاکرات که (بنا به اظهار آقای مروهر قرار است روز دوشنبه ۲۶ آذر مجدداً در مهلباد آغاز شود) بطور واقع بنانه خواست برحق خلق کرد را مورد بررسی قرار دهند و پس از این به دفع الوقت نپردازند. و در این رابطه هرگونه تماس و

هموطنان مبارز! هیئت نمایندگی خلق کرد بر این اعتقاد است که حیل مسالمت آمر مسئله کردستان تنها وقتی امکان بدرست که دولت بطور حدی به خواست اساسی خلق کرد در مورد خود مختاری بوجه کرده و در راه مذاکره بنانه های مختلف سنگ اندازی ننود. در اس دور مذاکرات علیرغم

لنین ... از فوریه تا اکتبر

بمناسبت شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیرا کبیر (قسمت آخر)
انقلاب کبیرا کبیر
به منزه آغاز و مقدمه انقلابات پرولتری سراسر جهان

نمونه‌های از اقدامات ضد کارگری وزارت کار

اخیرا سرپرست وزارت کار اراک، برای افرادی که به خاطر وابستگی به رژیم سابق از کارخانه آلومینیوم سازی اراک اخراج شده‌اند مبالغ زیادی به عنوان تسویه حساب پرداخته است. مثلا برای رفیعی (عضو ساواک محله) مبلغ ۹۳ هزار تومان و برای مهندس سعودی که ارسا سر واسته به رژیم سابق بوده است مبلغ ۲۲۰ هزار تومان. همچنین سرپرست وزارت کار گفته است که دوش از کارکنان اخراجی که از اعضای حزب رستاخیز محسنه بوده‌اند باید به سرکار بازگردانده شوند.

در ضمن شورای استعجابی کارکنان کارخانه به خاطر آلودگی شدید هوای کارگاه "پات روم" و کار ظافت فرمای آن تصمیم می‌گیرد که محل کار ۲۷ نفر از کارگران این قسمت را عوض کند. سانه مانند برشکان، محل کار اکبراس کارگران ارمدت‌ها بزرگی است عوض می‌شود. اما مدیر عامل کارخانه به بهانه این که این عویص به میزان تولید کارخانه لطمه می‌زند، به بهانه‌های صمم شورامحالفت کرده است بلکه برای جلوگیری از اجرای آن سه وسیله عاصر وابسته و عمال خود اقدام به تحریک عدلمان از کارگران و ایجاد تفرقه و دودستگی می‌کند. کارکنان و شورای کارخانه متحداً به موارد بالا شدیداً اعتراض کرده و در مقابل تصمیمات مدیر عامل وزارت کار ایستادگی کرده‌اند.

کارگران آجرپزی پارس اداره کارخانه را به دست گرفتند

تبریز - کارگران کارخانه آجرپزی پارس به دست از سر آورده شدن حواست‌های خود کنترل کارخانه را به دست گرفتند و مهندسان جزای صاحب کارخانه را از آن بیرون کردند. مهندس حراری به اسباب ناروایت‌الله مدعی سکات کرد. پس از چند روز آنها مهندس مددی راه به عنوان سرپرست کارخانه انتخاب کردند. مددی بعد از چند روز به بهانه بیماری پس از چند دوباره همان مهندس حراری راه کارخانه آورده کارگران گفت: "این شخص حاسن مراست و مشکلات بسیاری خواهد کرد. بعد از آن حراری کارگران مجدداً روز دوشه بحم آن‌ها به عنوان اعراس شد کارکنان جزای دست از کارکنان کردند. کارکنان سکات علیه حراری به اعتراض کارمندان و مهندس مددی راه که روز بعد از سکات آنها بود به استعجاب حواست‌ها را

شرافتمند دیگر درک کرده بود که در برابر وضع موجود، دو راه بیشتر وجود ندارد. یا تمامی قدرت در دست بورژوازی و ملاکان باقی بماند و مفهوم آن سرکوب کارگران، سربازان و دهقانان و در ادامه آن گرسنگی و بیکاری و مرگ خواهد بود یا این که قدرت به کارگران سربازان و دهقانان انقلابی مسلح شود و معنای آن لگام زدن به سرمایه‌داران، العای ستم مالکان است. آنگاه است که دهقانان صاحب زمین خواهند شد. آنگاه است که حق نظارت کارگران بر کارخانه‌ها تضمین خواهد گردید. و آنگاه است که برای گرسنگان نان تامین خواهد شد.

لنین در نامه تاریخی خود در روز ۲۴ اکتبر چنین می‌گوید: "رفقا: من این سطور را عصر روز بیست و چهارم می‌نویسم. اوضاع بی نهایت بحرانی است. مثل روز روشن است که اکنون دیگر تاخیر در قیام حقیقتا برابر با مرگ است. به جرئت تمام به رفقا اطمینان می‌دهم که اکنون دیگر همه چیز به مویی بسته است و سائلی در دستور روز قرار دارد که نه با مشاوره می‌توان آن را حل کرد و نه با کنگره... بلکه حل آن منحصر از عهده خلق‌ها توده و مبارزه توده‌ای مسلح ساخته است. باید تمام بخش‌ها و تمام هنگ‌ها و تمام نیروها به فوریت بسیج شوند و... تاخیر در اقدام برابر با مرگ است."

(لنین، تاریخ کارش ۲۴ اکتبر) صبح روز ۷ نوامبر (۲۵ اکتبر) حرکت تاریخی توده‌ها که ارامها پیش شکل گرفته بود آغاز گردید. خیل انبوه کارگران، سربازان و دهقانان انقلابی به رهبری حزب بلشویک پس از آن که اغلب مراکز دولتی را تصرف کرده بود مقر شورای جمهوری روسیه را محاصره کردند. طولی نکشید که پادگان‌های یکی پس از دیگری سقوط کرد و پرچم سرخ انقلاب سوسیالیستی بر فراز کاخ شورای جمهوری به اهتزاز درآمد. شورای نمایندگان کارگران و سربازان بطرور کمراد انقلاب عظیم و بی‌روزمدیرولنا را راه مردم روسیه تریک گفت: در اولین پیام خود اعلام داشت: "حکومت بورژوازی به گور سپرده شد و قدرت حاکمه دولتی به دست ارگان شورای نمایندگان کارگران و سربازان بطرور کمراد یعنی کمیته انقلابی نظامی افتاد که در رأس آن پرولتاریا قرار دارند." اموری که خلق برای آن مبارزه می‌کرد یعنی بیشه‌ها فوری صلح دمکراسیک، العای حاکم مالکان بر زمین، نظارت کارگران بر تولید و ایجاد حکومت پرولتری ناممن کشته است. و عا سرباست با تمام مهربانان کارگران و دیگران رحمکنان روسیه در ۲۵ اکتبر انقلاب سوسیالیستی به حدیق سوس



کورکورانه در ارتش هستند. دولت با کمک نیروهای مجازات کارخانه‌ها را تعطیل می‌کند و دهقانان را خلع سلاح می‌نماید. خلق می‌بایست از اضمحلال نجات یابد. انقلاب می‌بایست به پایان خود برسد، قدرت حاکمه می‌بایست از دست جنایتکاران بورژوازی به درآید و به دست کارگران و سربازان متشکل و دهقانان انقلابی منتقل شود. توده‌های رحمتکش روسیه کارگران، دهقانان و سربازان دیگر همگی از دولت موقت قطع امید کرده بودند. دیگر تنها یک راه در پیش داشتند و آن سلب حاکمیت سیاسی دولت موقت بود. لنین در این باره چنین می‌گوید: "لابد به ما خواهند گفت که دولت ونه شوراها هیچ یک در این امر "مقصر نیستند". ما جواب خواهیم داد این دیگر برای دولت و شوراها بدتر است. زیرا با این وضع آنها حکم هیچ را ندارند. عروسکنند و قدرت واقعی در دستشان نیست. مردم قبل از همه و پیش از همه باید از حقیقت آگاه باشند و بدانند که قدرت دولتی عملاً در دست کیست. باید تمام حقیقت را به مردم گفت. قدرت حاکمه در دست دارودسته ارتشی... است که... از طریق کلیه روزنامه‌های پانده‌سپا... پشتیبانی می‌شوند. این قدرت را باید سرنگونی ساخت. بدون این عمل تمام عبارت برداری‌های مربوط به مبارزه با ضد انقلاب، بوجو خود فریبی و فریب مردم است. لنین در اطراف عبارت "هر سرباز، هر کارگر، هر سرباز و لنین واقعی، هر دمکرات

ملاکین و سرمایه داران با هاری تمام بلشویک‌ها را به ملت مبارزه آنان علیه جنگ و بر ضد ملاکین و سرمایه داران به باد ناسزا می‌گرفتند و علنا طلب می‌کردند بلشویک‌ها باز داشت شوند و مورد تعقیب هم قرار گیرند و این هنوز در آن زمانی بود که یک اتهام هم بر ضد یک بلشویک ساخته نشده بود. دولت موقت برای جلوگیری از اوج‌گیری مبارزات توده‌ها، دستگیری، شکنجه و خلع سلاح آنها را آغاز کرد. اما همه این فشارها که به توده‌ها وارد می‌آمد و تلاش‌هایی که برای خلع سلاح آنها صورت می‌گرفت مرحله تازه‌ای از مبارزات آنها را باعث شد، قدرت دوگانه به پایان رسید و حزب بلشویک تدارک قیام مسلحانه را در دستور قرارداد. در این گیرودار مساله تشکیل کنگره شورا مانند ایرطوفنده ای سراسر روسیه را فرا گرفت. اما تمامی دستگاه ماشین دولتی که انقلاب فوریه آن راه حرکت در آورده بود علیه گشایش کنگره شوراها عمل می‌کرد. درست دیگر اراده شکل نگرفته پرولتاریا، کارگران و دهقانان قرار داشت که هنوز نمی‌توانستند سازماندهی توده‌های انقلابی را به وجود آورند. در این شرایط حزب بلشویک به رهبری لنین اعلام داشت: "دولت گرسنگی بر ضد کارگران دهقانان و سربازان است. این دولت کشور را به پرگاه فنا سوق می‌دهد. می‌خواهد کارگران را از راه گرسنگی به تسلیم وادارند. بورژوازی و ژنرال‌ها پس حواسار به اسیر حش برای احیای انضباط

این مقاله ادامه مقالات پیشین چاپ شده در شماره‌های قبلی "کار" می‌باشد، که در این شماره به پایان می‌رسد.
منابع مورد استفاده:
۱- منتخب آثار لنین
۲- دوره‌های که در نیاترکان داد.
۳- تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) شوروی

مرتجعین برای حفظ و حراست نظام کهنه سرمایه‌داری به دست و پا افتاده بودند و چیزی جز مصیبت برای روسیه به بار نمی‌آوردند. آنها فریاد می‌زدند: "روسیه در خطر است، بگذار خدا به داد روسیه برسد." احزاب اپورتونیست و بورژوازی نیز آب به آتیاب بورژوازی می‌ریختند. آنها می‌گفتند: "دولت خواهند توانست وظایف خود را در محیطی آرام فارغ از مزاحمت آنارشیست‌ها انجام دهد" و منظورشان نیز معلوم بود. آنها لنین و حزب بلشویک را آنارشیست‌هایی می‌دانستند که مانع از انجام "وظایف" دولت گرسنگی نیز به عنوان رئیس دولت موقت در شورای جمهوری اعلام کرده دولت موقت از تبلیغات بلشویکی کاملاً مطلع و بقدر کافی نیرومند است که فاز عهده هرگونه "اغتشاش" برآید. او روزنامه روسیه نوین را متهم به بزه‌کاری می‌کرد و با وجود این که تمام روزنامه‌های آزادی خواه و مترقی را بسته بود، با عوامفریبی اظهار داشت: "آزادی مطلق مطبوعات مانع از آن است که دولت بتواند علیه اکاذیب مطبوعاتی تدابیری ببیند." رئیس دولت موقت همیشه می‌گفت من شجاعت این را دارم که بگویم سبب و مایه اصلی تمام حوادث عجیب و غیرعادی که رخ می‌دهد، همانا تحریکات غیر قابل تصویری است که بلشویک‌ها در سراسر کشور به راه انداخته‌اند. او مسئولیت بیکاری میلیون‌ها کارگر و دهقان و تورم و وحشتناک و تعطیل کارخانه‌ها را به گردن سیره‌های چپ می‌انداخت. و چنین ادعای کرد که بلشویک‌ها نمی‌گذارند اقتصاد کشور رونق بیابد. لنین در مورد نقض آزادی و اتهامات دروغین دولت موقت به بلشویک‌ها چنین می‌گوید: "شاید معترضان بگویند تعقیب بلشویک‌ها به معنای نقض آزادی نیست زیرا فقط افراد معینی را اتهامات معینی تعقیب می‌نمایند ولی این اعتراض کذب عیان و آشکار است. زیرا چگونه می‌توان در مقابل جرم افرادی حد اگانه ولو گناه آنها هم در دادگاه به

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

مبارزه ضد امپریالیستی

وسیاست ضد انقلابی شورای انقلاب

نزدیک به یک ماه و نیم از تاریخ تسخیر سفارت امریکا می گذرد. از آن زمان تاکنون تغییرات مهمی در سطوح مقامات بالای کشور بوجود آمده است. دولت بازرگان استعفا می دهد و به دنبالش دکتر یزدی وزیر خارجه سابق از پست خود برکنار می شود. ابوالحسن بنی صدر سومین وزیر خارجه ایران بعد از قیام بهمن ماه است و هنوز قیام جابجائی کامل صورت نگرفته که شورای انقلاب جای سابق یزدی را از بنی صدر برمی گیرد و به قطب زاده می سپارد. تغییرات دیگری نیز در سایر سطوح منجمله شورای انقلاب صورت گرفته است. اما از آنجائی که وزارت خارجه و سیاست خارجی ایران در رابطه با تسخیر سفارت مقام ویژه ای را به خود اختصاص می دهد، ما در این مقاله تعقیب سیاست خارجی ایران را بیشتر از کانال تغییرات وزارت خارجه دنبال می کنیم.

بعد از تسخیر سفارت، تظاهرات میلیونی توده ها به همراه شعارهای مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر امریکا افشا، کلیه قراردادهای سیاسی، اقتصادی، نظامی، قطع وابستگی و قطع صدور نفت به امریکا و بالاخره استرداد شاه خائن و بازپس دادن اموال به یغما برداشتن نشان از این روحیه و از این فشار داشت و قبل از آن نیز ما این روحیه و این خواست ها را در شعارها و قطعنامه های تظاهرات و میتینگ ها در اعتراضات کارگری (بخصوص صنعت نفت) و در اعلامیه ها و هشدارهای گروهها و سازمان های مترقی و ضد امپریالیست شاهد بودیم.

این حداقل نیز برای شوروی انقلاب و بخصوص شخص قطب زاده که تمام تلاشش تحکیم سلطه امپریالیسم امریکاست، زناد بود. شورای انقلاب بنی صدر را از وزارت خارجه برداشت و شخصی به جای او گمارد که در دروغ گوشتی، عوامفریبی و شیادای برترین است. قطب زاده این عنصر مرتجع و شناخته شده را که در طول دوران پس از قیام نقش عمده ای در پایمال کردن حقوق دمکراتیک توده ها ایفا کرده است، امروز همه مردم آگاه مامی شناسند. این تغییر در عین حال نشانه کشمکش بر سر قدرت در حاکمیت نیز هست. ببینیم بنی صدر در مورد استعفا خود چه می گوید!

"ناچار بودیم که از امکاناتی که در جهان داشتیم برای رسیدن به این هدف استفاده کنیم. اما رادیو - تلویزیون سیاستی درست نقطه مقابل مادر پیش گرفت و با جعل خبر و ناسازگفتن (آنچه که با نام قطب زاده مترادف است) به دبیرکل سازمان ملل و تبلیغات دروغ، جوی درست کرد که در ذهن همه این مسئله شکل گرفت که اگر مادر شورای امنیت شرکت کنیم فوراً یک حکم محکومیت دست مامی دهند و ما محکوم شده برمی گردیم. بنابراین با جوی شوروی امنیت بی معنی بود. در نتیجه من چطور می توانستم در وزارت خارجه بمانم."

(مصاحبه بنی صدر با اطلاعات ۱۰ آذر)

ولی قطب زاده مصر تا کید کرد که رفتن بنی صدر از وزارت خارجه در رابطه با سفر نیویورک نیست و ایشان دیر باز از این وزارتخانه می رفت "همچنین او در مقابل این پرسش که آیا تاکتیک سیاست باز بنی صدر موجب رفتن او از وزارت خارجه شد، طبق معمول به عوامفریبی دست زد و گفت: "سیاست بنی صدر، سیاست شورای انقلاب بود. سیاست ما نیز همین خواهد بود که قبلاً بوده است. باید بگویم که در نفس مبارزه با امپریالیسم هیچگونه تغییر بی وجود نیامده است." (اطلاعات همان تاریخ)

ما همین شخص طبق آنچه که در روزنامه باامداد مورخ ۱۲ آذر نوشته شده است، آشکارا کنار رفتن بنی صدر را به دلیل عدم تحرک کافی او در تطبیق خود با خط امام دانست و اظهار داشت که رادیو تلویزیون از اول در خط امام بوده، هست و خواهد بود. این اختلافات کشمکش بر سر کسب قدرت را به خوبی آشکار می کند. بنی صدر را به تلویزیون را (قطب زاده را) جعل کننده خبر ناسازگو و تبلیغات چی دروغگو خطاب می کند و قطب زاده بنی صدر را فاقد تحرک و خارج از خط می خواند، شورای انقلاب نیز از قطب زاده حمایت می کند.

سیاست شورای انقلاب در مورد سد کردن حرکت توده ها و انحرف آن از خواست های اصولی اشیا یک

در سیاست خارجی و برخورد با مسئله سفارت به وضوح روشن است قطب زاده وزیر خارجه جدید شورای انقلاب در اطلاعیه ای که روز جمعه ۱۶ آذر ماه صادر کرد (باامداد شنبه ۱۷ آذر) چنین می نویسد:

"با همکاری همه جانبه تمام گروه های ضد امپریالیستی و صهیونیستی ایران و جهان یک هیات از شخصیت های مستقل و آزاده جهان و ایران در تهران تشکیل دهیم تا پرونده جنایات دولت امریکا در ایران را از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ تاکنون مطالعه و بررسی نماید. "همچنین" عمال جاسوسان امریکائی را که به نام دیپلمات خود راه فری کرده اند، در حضور همین هیات به نظر مردم جهان بگذاریم "و سپس "در حد قدرت و امکان تلاش نمائیم تا نتایج بررسی و تحقیق این هیات را به زوایای جهان برده و همگان را از آن آگاه نمائیم."

همین؟ دیگر نه صحبتی از افشای و لغو قراردادها در میان است و نه از قطع ارتباط حتی صحبتی از استرداد شاه نیز به تدریج کمتر و کمتر می شود.

تمام این مانورها، جاعوض کردن ها و کوشش هائی است در جهت انحرف خواست های ضد امپریالیستی توده ها و تشبیهت منافع سرمایه داران وابسته، اگر بزرگی نتواند مجری این سیاست باشد، شانس خود را با بنی صدر امتحان می کنیم و در غیر این صورت قطب زاده را به کمک می طلبیم.

این است سیاست شورای انقلاب، بدیهی است که امپریالیسم در این میان نیز بیکار ننشست و در سطح جهانی دست به یکسری مانورهای زد که افکار عمومی جهانیان را از مسئله اصلی منحرف گردانند. مراجعه به شورای امنیت سازمان ملل و رای صادره مبنی بر بازگرداندن جاسوس ها و بازگشت مناسبات به حالت عادی و همینطور زای دیوان بین المللی لاهه تلاش های امپریالیسم امریکا را برای محق جلوه دادن خود نشان می دهد. این ارگان ها که ساخته و پرداخته امپریالیسمند، هیچ گاه در خدمت منافع خلق های جهان قرار نخواهند گرفت و رای آنها پیشیزی برای نیروهای ارزنده و انقلابی ارزش ندارد. رفتن شاه خائن از ایالات متحده به پاناما تازه ترین شگرد امپریالیسم برای حل مسئله است و این شگلی بود که از آغاز ما جرایم پیش بینی می شد. اما نه تلاش های مذبوحانه امپریالیسم و نه شگردهای گوناگون سازشکاران، محافظه کاران و مرتجعین داخلی در نهایت نخواهد توانست سبیل خروشان خلق رزمنده ما را علیها امپریالیسم سد نماید. طبقه کارگر، دهقانان و سایر زحمتکشان ما روز به روز بیدارتر آگاه تر و متشکل تر می شوند و لحظه به لحظه عرصه را بر امپریالیسم امریکا طبقه سرمایه دار وابسته به آن و سازشکاران و مرتجعین دشوارتر می کنند.

لنگرود -

هواداران سازمان چریک های فدائی خلق ایران در لنگرود برای تداوم بخشیدن به مبارزه ضد امپریالیستی و پاسخ به تهدید نظامی امریکا و محکوم کردن قطعنامه شورای امنیت، دوشنبه ۱۹ آذر را روز راهپیمائی ضد امپریالیستی معین کرده بودند. اما صبح روز شنبه راهپیمائی ضد امپریالیستی فارغ التحصیلان بیکار توسط عدای عناصر معلوم الحال به هم ریخته شد که در پی آن چند نفر از فارغ التحصیلان بیکار مجروح شدند. پس از پخش تراکت های دعوت به راهپیمائی عناصر مرتجع شناخته شده با پراکندن شایعه و دروغ مبتنی بر این که فدائیان می خواهند مسلحانه بر ضد آیت الله خمینی و به نفع امریکائی راهپیمائی کنند. با کمک فرماندار مرتجع لاهیجان و باند سپاه او عناصر ناآگاه روستائی را به تفنگ و قهقهه مسلح می کنند. در روز دوشنبه حدود ۵۰۰ نفر قهقهه و عدای هم غیر مسلح حمایت کننده به سرکردگی "شیخ هادی خالقی" که خود نیز میله های آهنین در دست داشت از میدان شهر تا سبزه میدان محل تعیین شده تجمع راهپیمایان، به حالت دو به راه می افتند. در مسیرشان زنها و بچه ها از کنار آنها فرار کرده و با داد و فریاد ناسزا نگارشان می کردند و مغازه داران به حالت وحشت و اعتراض مغازه ها را تعطیل کردند اما این دسته قهقهه و قشوری بی توجه به همه این مسایل با تکان دادن قهقهه و تفنگ شروع به عریه کشی و پاره کردن اعلامیه های مختلف می نمایند. و به سمت سبزه میدان می روند ولی آنجا را خالی از هواداران سازمان و نیروهای مبارز می یابند. لازم به یاد آوری است که هواداران سازمان با اطلاع از مقاصد پلید مرتجعین توطئه گر برنامه راهپیمائی روز دوشنبه را لغو کرده بودند و در اعلامیه ای که به همین منظور برای روشن شدن افکار عمومی داده اند از توطئه های مرتجعین پرده برداری می نمایند و در ادامه اعلامیه می نویسد:

"ما بنابه مصالح زحمتکشان و برای منحرف نشدن مسیر مبارزه ضد امپریالیستی توده های میهنمان راهپیمائی را لغو کردیم. با این وضع مردم مبارز لنگرود باید دیگر با چهره واقعی مدعیان دوآتشه مبارزه ضد امپریالیستی آشنا شدند و برای همه نیروهای آگاه و عناصر مبارز روشن گردید که ما این مدعیان دروغین تا چه اندازه ضد امپریالیست هستند.

محمود آباد - جوانان و عناصر آگاه محمود آباد و فریدونکنار، روز شنبه ۱۰ آذر برای تجلیل از دانشجویان شهید و افشای ماهیت امپریالیسم و وابستگی داخلی اش راهپیمائی ترتیب دادند. حدود ۸۰۰ نفر از مردم با شعارهای ضد امریکائی و ضد ارتجاعی حرکت می کردند که مورد حمله گروهی

حمله مسلحانه به صف تظاهرات...

بقیه از صفحه ۱۲
چماق بدست و قهقهه دار، قرار گرفتند مرتجعین در این حمله هرکس را به دستشان می زدند، زد و خورد کنندگان با تیراندازی هوائی پاسداران متفرق شدند.

حمله مسلحانه به یک راهپیمائی دیگر...

در نشریه سازمان چریک های فدائی خلق ایران شاخه آذربایجان به نام "راه سرخ" شماره ۴ خبری درج شده است مبنی بر حمله مسلحانه های نیروی گورم به صف راهپیمائی که روز ۲۹ آبان به دعوت دانشجویان پیشگام تبریز دست به راهپیمائی ضد امپریالیستی زده بودند، در زیر خبر مندرج در "راه سرخ" را می خوانید:

"دانشجویان پیشگام از کلیه کارگران، دانش آموزان، معلمین و کارمندان و زنان مبارز دعوت کردند تا برای نشان دادن وحدت مبارزاتی همه مستکشان ایران علیه استثمارگران جهانی و سرمایه داران زالوفت وابسته به آنان در این راهپیمائی ضد امپریالیستی شرکت نمایند.

راهپیمائی ساعت ۳ بعد از ظهر از محل باغ گلستان به طرف کنسولگری امریکا شروع شد. تظاهر کنندگان در صف های منظم و با شعارهای "این شام امریکائی در پیشگاه ملت اعدام باید گردد" "توطئه های امریکا خنثی باید گردد" "تسلیم و سازشکاری افشا باید گردد" "خلق ما می ریزد، امریکا می لرزد"، "۷۰ هزار زکشته، صدها هزار زخمی هرگز مباد سازش، هرگز مباد تسلیم" "مرگ بر کارتریویاران او، مرگ بر کارتریو میمان او" دست به راهپیمائی زدند. ولی هنوز چند دقیقه ای از راهپیمائی نگذشته بود که ما موبین کمیته مرکزی و عدای او باش با چاقو و قهقهه به صف تظاهر کنندگان حمله کرده و پلکاردها و پرده ها را که شعار هائی علیه امپریالیسم امریکا بر روی آنها نوشته شده بود، با چاقو دریده و به آتش کشیدند. تظاهر کنندگان بطور پراکنده و با شعار مرگ بر امریکائی بطرف کنسولگری حرکت کردند، ولی دوباره در چهارراه ۱۷ شهریور - متحدین با حمله وحشیانه ما موزان کمیته روبرو شدند. در این محل تعداد زیادی از فرزندان دلیر خلق با ضربات چاقو زخمی شدند و تعدادی نیز در اثر خونریزی به حال اغما افتادند که بلافاصله توسط مردم مبارز شهرمان به بیمارستان و پانازل اطراف برده شدند. ولی تظاهر کنندگان به حرکت خود به طرف رادرف مقابل کنسولگری به عظمتی رادرف مقابل کنسولگری به وجود آوردند. آنها با تانگ رسی "مرگ بر امریکا" تمام صداهای تفرقه افکنانه و مرتجعانه را تحت الشعاع قرار دادند. اینبار نیز مرتجعین با حمله وحشیانه خود و تیراندازی تجمع با شکوه دانشجویان، کارگران و دانش آموزان و... را به هم ریخته و عدای را با چاقو زخمی کرده و چندین نفر را دستگیر کردند.

حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است

حزب توده، حزب فریب توده و سازش با صاحبان قدرت

مهم ترین ویژگی کمونیست‌ها، ایمان به توده‌ها و ایمان به قدرت لایزال خلق است. همان‌گونه که لنین در بالای صفحه اول نخستین شماره ایسکرا می‌نویسد: "کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند. کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی‌کنند. کمونیست‌ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند."

دو ویژگی حزب توده کسب ویرگی هر جریان سازشکار غیرپرولتری است اما در حزب توده بسیار برجسته تر و کاملاً نمایان است، عبارتند از:

۱- تلاش برای نزدیک شدن به صاحبان قدرت به هر قیمتی
۲- تلاش برای فریب و تحمیل توده‌ها و وسیله قرارداد آن‌ها به هر حیل و مایه

ما برای نشان دادن این دو ویژگی از میان انبوه شواهد و اسناد چندتایی را انتخاب کرده ایم که در اینجا نقل می‌کنیم.

حزب توده ما از ضدانقلاب شاه (انقلاب سفید) که به دستور مستقیم امپریالیسم امریکا در زمان کنده در میهن ما به اجرا درآمد و سرکوب خونین ۱۵ خرداد ۴۲ را در پی داشت، حمایت می‌کرد. این راهمه مردم آگاه ما می‌دانند که هدف "انقلاب سفید" تحکیم سلطه امپریالیسم امریکا و سرمایه‌داری وابسته به آن و ادامه و تشدید استثمار زحمتکشان و غارت منابع طبیعی و قبضه کردن بازار داخلی میهن ما بود. حزب توده چه از طریق گفتارهای رادیو "پیک" (در سال‌های اواسط دهه ۴۰) و چه از طریق نشریاتی که در ایران منتشر کرد (تاریخ نوین ایران نمونه بارز آن است) از یک طرف "انقلاب سفید" یعنی اصلاحات ضدانقلابی امپریالیسم امریکا در ایران را می‌ستود و از سوی دیگر جنبش مقاومت خلق ایران و روحانیت مبارز را که در ۱۵ خرداد به دست شاه سرکوب شد، ارتجاعی می‌خواند. (مراجعه شود به تاریخ نوین ایران صفحه های ۲۲۳ و ۲۵۴ تا ۲۶۰).

حزب توده از فرم های امپریالیسم امریکا حمایت می‌کرد و جنبش توده‌ها را ارتجاعی می‌خواند و با عوام‌فریبی می‌کوشید توده‌ها را نسبت به این اصلاحات خوشبین سازد؛ اما این اعمال خدمت به توده‌ها بود یا نزدیک شدن به شاه و کدائی امتیاز فعالیت علنی از او و ترویج "مارکسیسم لگال"؟ حزب توده در اوچ سال‌های خفگان با منتهای دشمنی و عناد به پیکرترین و سرسخت ترین نیروهای انقلابی که با رژیم شاه و امپریالیسم امریکا بیگانه کردند چهار طریق رادیو پیک و چه از طریق نشریاتش (مراجعه شود به نشریه‌های حزب توده، مثلاً دنیا در سال‌های دهه ۵۰) می‌تاخت و مبارزه فدائیان خلق و مجاهدین خلق را علت غضب شاهانه و اختناق معرفی می‌کرد، نه حکومت سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم (تاریخ نوین صفحه ۳۰۹).

حزب توده در شرایطی که ایران به آستانه موقعیت انقلابی نزدیک می‌شد، مسئله سازش با جناح "واقع بین" دربار، یعنی جناح معروف نه‌اندی‌ها و امثالهم را که می‌خواستند با تظاهر به دم‌مکراسی سلطه امپریالیسم امریکا را در ایران تحکیم بخشد، مطرح ساخت و کوشید به رژیم بفهماند که برای جلوگیری از "تنش‌های افراطی" بهتر است شاه بر مردم باران رحمت ببارد تا از سیل خروشان توده‌ها جلوگیری شود. سند زیر از مجله نیا چاپ مهر ماه ۵۴ صفحه ۲۰ نقل می‌شود. حزب توده ایران "ترجمه

می‌دهد که جناح سالم توده واقع بین تر هیئت حاکمه زمام امور را به دست داشته باشد. یعنی همان جناحی که بعداً کوشید "باگسترش فضای باز سیاسی" جنبش را مهار کرده و به شکست بکشاند.

به یاد آوریم که در سال ۵۴ چگونه فرزندان راستین خلق‌های ایران برای سرنگونی رژیم شاه و نابودی سلطه امپریالیسم می‌جنگیدند و مقایسه کنیم با فعالیت‌های کمیته مرکزی حزب توده که می‌کوشید به رژیم بفهماند هدفش مخالفت با سلطنت نیست بلکه تنها خواهان اعطای امتیاز فعالیت علنی از جانب رژیم است. مجله دنیای بهمن ماه ۵۴، صفحه ۱۴ این هدف را بهتر نشان می‌دهد.

"آسرنگونی سلطنت استبدادی شاه حتماً باید برانداختن سلطنت بطور کلی همراه باشد؟ به نظر ما نه به یاد داشته باشیم کسسه لیبرال‌های جبهه ملی و همچنین دکتر امینی ها و درخشش هانیسز همین را می‌گفتند. کاملاً واضح است که حزب توده با این بیان به صراحت می‌کوشید به رژیم و همیشه رژیم سلطنتی نزدیک شود و به زبان نیروهای انقلابی و در ازاء کسب امتیاز فعالیت علنی با بورژوازی کمپرادور همکاری کند.

حزب توده در جریان اوج گیری مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر زحمتکشان و سایر اقشار خلق ایران، هنگامی که شهرهای ایران در شعله مبارزه می‌سوزند و یکی پس از دیگری به جنبش توده‌های گرم می‌بخشند، در روزهای که قهرمانی‌های تیریز قم، تهران و غیره ایران را یک پارچه در شور و شغف فروبرد است، قهر انقلابی توده‌های رزمنده ایران را به گروهی اوباش ساواکی نسبت می‌دهد. (فوق العاده نوید ۱۹ اسفند سال ۵۶) چنین می‌نویسد.

"رژیم بنا به شیوه همیشگی خود با دست زدن به یک سلسله خرابکاری به دست چاقوکشان و اوباشان ساواک در ترقلا استابن بربریت آدمکشانه خود را توجیه کند و کسانی را که با استفاده از حقوق حقه قانونی خود در نهایت نظم دست به تظاهرات زده بودند، مورد آزار و اهانت و تعقیب قرار دهد. " این موضع نیز فرقی با موضع لیبرال‌های سازشکار که مردم را به آرامش و خودداری فرامی‌خواندند و می‌کوشیدند با نزدیک شدن به صاحبان قدرت و گرفتن سهمی ناچیز جنبش را به شکست بکشاند، هیچ فرقی ندارد.

در مقطع قیام، زمانی که دیگر کار رژیم تمام است و توده‌ها بی‌اعتنا به نصیحت "توده‌های" و "لیبرال‌ها" با قدرت به قهر انقلابی ادامه می‌دهند، حزب توده با زرنگی می‌کوشد با جنبش حساب باز کند و از همین رواج‌ها

مبارزه مسلحانه را به توده مرحمت می‌کند.

حالا به گوشه‌های از فعالیت‌های "حزب توده" در پیرویه پس از قیام نگاه کنیم. حزب توده پس از قیام نیز استراتژی و تاکتیک نزدیک شدن به صاحبان قدرت و تحمیل و فریب توده‌ها را با پشتکار ادامه داد و برخلاف ادعاهایش، هر کس را که در قدرت بود، چه نمایندگان سرمایه داری لیبرال (مثل بازرگان، نرینه و غیره) و چه نمایندگان خرده بورژوازی، همه را تا رسیدن کرد و هر کس هم که در قدرت نبود چه لیبرال، چه خرده بورژوا و چه نمایندگان طبقه کارگر را که مخالفی با صاحبان قدرت کردند ساواکی، صهیونیست، عامل امپریالیسم، بازمانده رژیم سابق، ضدانقلابی، چپ‌نوا و غیره نامید.

ما بر این مثال نشان می‌دهیم که چگونه حزب توده وقتی نرینه لیبرال از جانب دولت بازرگان قدرت می‌رسد و رئیس شرکت نفت می‌شود، حزب توده از او با احترام یاد می‌کند و هنگامی که نرینه برکنار می‌شود، چگونه حزب توده مثل سگ شکاری که پس از صید به شکار بی‌جان یورش می‌برد، به نرینه حمله می‌کند و در کمال وقاحت اعلام می‌دارد که ما از اول نرینه را قبول نداشتیم. مردم دوره جدید شماره اول چنین می‌نویسد:

"دولت موقت انقلابی پیک شخصیت سرشناس ملی نظیر آقای نرینه را به ریاست شرکت منصوب نموده و این انتصاب امید و انتظاری می‌انگیزد. " پس از برکناری نرینه کیهان‌نور چنین می‌گوید: (۱۶ مهر) "سیاست آقای نرینه از اول مورد انتقاد ما بود. در نفت سیاست عدم تغییر در وابستگی نفت به امپریالیسم اجرامی شد و وریشه کن کردن امپریالیسم مطرح نبود. " حال ببینیم حزب توده با مسئله مجلس موسسان، مجلس خبرگان و قانون اساسی چگونه برخورد می‌کند؟

"توده‌های" که نخست می‌پنداشتند مجلس موسسان مورد تأیید جناح قدرتمند حاکمیت است، از تشکیل مجلس موسسان حمایت می‌کردند، اما هنگامی که مجلس موسسان به "مجلس خبرگان" تبدیل شد "توده‌های" دانستند که جناح قدرتمند هیئت حاکمه با مجلس موسسان مخالف است و برای سلب حقوق توده‌ها مجلس خبرگان را اختراع کرده است، تبلیغات عوام‌فریبانه خود را در این جهت سوق دادند و چنین گفتند:

"چه چیز بهتر است؟ یک مجلس موسسان با شرکت عمده محدودی از نمایندگان انتخابی که در مدت کوتاهی پیشنهادها و اصلاحاتی که ضمن نظرخواهی بیان می‌گردد، بررسی کنند و سپس با مراجعه به آراء عمومی قانون اساسی را به تصویب نهائی برسانند، یا یک بحث مفصل

و طولانی و چه بسا بی‌سرانجام در مجلس موسسانی که چند برابر عضو داشته و بی تردید مدت کارش از یک سال و شاید دو سال هم در خواهد گذشت.

چه چیز بهتر است؟ تصریح در امر تدوین و تصویب یک قانون اساسی خلقی و متکی به اراده مردم یا کش دادن مسئله و انقلاب را با فاندن‌های قانونی و مستحکم و داعمی گذاشتن و امکان عمل جدی و استوار را از آن سلب کردن؟ به نظر ما پاسخ قاطعانه این است که شق نخست بهتر است. به نظر ما در حال حاضر مهم و عمده این است که ایران پس از انقلاب دارای یک قانون اساسی مترقی باشد. زمانی که قانونی به مراتب ارتجاعی تر از پیش نویس قبلی از دل مجلس خبرگان درآمد، بازم "حزب توده" همانگونه که روش همیشگی همه جریانات و محافظتی است که می‌خواهند به هر قیمت خود را به صاحبان قدرت نزدیک کنند، ضمن تلاش برای تحمیل توده‌ها، به صاحبان قدرت "ما آری" گفت و حتی به اندازه خود نمایندگان مجلس خبرگان نیز از این قانون انتقاد نکرد.

راستی اگر جناح قدرتمند حاکمیت از مجلس موسسان حمایت می‌کرد و جناح ضعیف تر آن خواهان مجلس خبرگان بود، بازم حزب توده با همین حرارت از مجلس خبرگان حمایت می‌کرد و آن را به تدوین و تصویب قانون اساسی می‌خواند و با اگر جناح قدرتمند هیئت حاکمه با قانون اساسی مجلس خبرگان مخالف بود، حزب توده بازم جرات می‌کرد با صدای بلند به این قانون "ما، آری" بگوید؟

هر کس که یک جو عقل و یک سر سوزن انصاف داشته باشد، می‌پذیرد که حزب توده این عوام‌فریبی‌ها را نه برای مصلحت جنبش که برای نزدیک شدن به صاحبان قدرت و در نتیجه مصلحت خود حزب توده انجام می‌دهد. راستی، توده‌های ما، آیا شما خودتان به ریش کسانی که دروغ‌ها پتان را باور می‌کنند نمی‌خندید؟

حالا به یک نمونه از روش‌های حزب توده که نمونه بارزی از عوام‌فریبی، دست کم گرفتن شعور مردم و تحمیل توده‌ها و حتی تحمیل خود هواداران و اعضا حزب توده است توجه کنیم. می‌دانیم که عناصر ساواک در حزب توده نفوذ کرده‌اند. می‌دانیم که جاسوسان "سیا" چون عباس شهبازی از طریق "حزب طراز نوین توده" صدمات جبران ناپذیری به جنبش کمونیستی ایران و جنبش‌های آزادیبخش خلق‌های خاورمیانه وارد آورده‌اند و نیز می‌دانیم که در میان صفوف حزب توده ساواکی‌های زنگ آن قدر نفوذ کرده‌اند که حتی مسئول ایالتی حزب توده در اصفهان و کاندیدای این حزب در مجلس "خبرگان"، کسی که بنا به

ادعای کمیته مرکزی (مردم شماره ۴۵، ششم مرداد). "کارگری است که تمام زندگی آگاهانه خود را وقف آزادی زحمتکشان کرده است. ساواکی از آب درمی‌آید.

لیکن ما در اینجا به علت این پدیده که خود به تنهایی می‌تواند ماهیت این "حزب طراز نوین" افشا کند، نمی‌پردازیم و این کار به زمان دیگری موکول می‌کنیم. ما در اینجا می‌خواهیم توجه هم میهنان را به یک نمونه از فریب کاری‌های کمیته مرکزی حزب توده و تلاش آن در جهت تحمیل مردم، جلب کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده از افسانه‌های نام اعضای ساواکی حزب از جانب گروه‌های مختلف، ساواکی‌ها را "رفقای مبارز"ی که برای خدمت در ساواک نفوذ کرده‌اند، معرفی کرده است. ما می‌گوئیم این یک دروغ محض است. این احضق حساب کردن مردم است. این منتهای بی‌شرمی است. و دلیل این گفته خود را نیز به سادگی بیان می‌کنیم. مطمئن هستیم که "کمیته مرکزی حزب توده" در قبال این دلیل هیچ جوابی ندارد.

اگر کمیته مرکزی حزب توده راست می‌گوید و مدعی است که عدما از اعضای برجسته حزب برای خدمت به "حزب توده" و به دستور کمیته مرکزی ساواکی شده‌اند، قاعدتاً باید فهرست این "اعضای حزب" را که به دستور کمیته مرکزی در ساواک نفوذ کرده‌اند، داشته باشد. با توجه به این که گروه‌های مختلف هزار گاهی نام یکی از این افراد را افشای کند و سرانجام نام همه آنها افشا خواهد شد و حزب توده چه خواهد و چه نخواهد باید برای روشن شدن حقایق از فعالیت‌های انقلابی این کادری‌های خود پرده بردارد و با توجه به این که پس از افشای نام این افراد از جانب گروه‌ها و محافل مختلف دیگر کسی

ادعای "حزب توده" را مبنی بر "مبارز بودن آنها باور نمی‌کند" و خلاصه با توجه به این که اگر نام این افراد از جانب گروه‌های دیگر اعلام شود، ممکن است در دل هواداران و اعضای حزب نیز شک ایجاد شود، حزب توده نباید و یک بازو برای همیشه فهرست همه اعضای خود را که در سال‌های اختناق با نفوذ در ساواک به مردم خدمت کرده‌اند، منتشر کند و در ضمن خدمات این افراد را نیز بر شمارد تا ضمن معرفی فعالیت‌های حزب توده در سال‌های اختناق، امکان "تبلیغات مسموم علیه حزب توده" منتفی شود.

مطمئن هستیم که حزب توده هرگز چنین کاری نخواهد کرد و چنین لیستی را ارائه نخواهد داد. می‌دانید چرا؟ برای آن که حزب توده در ساواک نفوذ نکرده بلکه ساواک در حزب توده نفوذ کرده است. به همین دلیل است که کمیته مرکزی چنین لیستی را در دست ندارد. از همین رو است که اسم این "رفقای مبارز" باید نخست از جانب گروه‌ها و محافل دیگر افشاء شود، تا کمیته مرکزی بتواند "رفقای مبارز"ی را که به دستور حزب به عضویت ساواک درآمدند بشناسد و از آنان تجلیل کند.

گفتگوی کوتاهی با یکی از رفقای سازمان "ارتش آزادیبخش خلق ترکیه"

این گزارش آخرین قسمت گفتگوی رفقای عضو سازمان "ارتش آزادیبخش خلق ترکیه" (اتحاد مبارزه) است که بخش نخست آن در "کار" ۳۶ به چاپ رسیده بود.

(اتحاد مبارزه) «قسمت دوم»

سوال - رفیق، آیا شما به تضاد اصلی و عمده در ترکیه معتقدید؟ اگر هستی تضاد اصلی را در ترکیه چه می دانید؟
جواب: از آنجاکه شیوه تولید کاپیتالیستی بر کشور ما حاکم است، تضاد اساسی، تضاد کار و سرمایه است و اما تضاد عمده تضاد بین فاشیسم و پایگاه مادی آن سرمایه انحصاری و نیروهای مخالف آن است. این نیروها عبارتند از:

طبقه کارگر، دهقانان فقیر و بطور کلی خرده بورژوازی؛
سوال - تعریف شما از تضاد اصلی و تضاد عمده چیست؟
جواب: تضاد اساسی در درون ساخت اجتماعی قرار دارد و تضادی است که سیستم اجتماعی را به حرکت در می آورد این تضاد در نظامهای اجتماعی گوناگون فرق می کند. مثلاً در جامعه برده داری، تضاد بین بردگان و برده داران، در جامعه فئودالی، بین سرفهواران و برده داران، در جامعه سرمایه داری، بین کار و سرمایه برقرار است. این تضاد است اساسی که تمام تضاد اجتماعی را مشخص می کند و آن را به حرکت وامی دارد. و اما تضاد عمده، تضادی است که از این تضاد اساسی ناشی می گردد و در درجه اول باید حل شود. به اعتقاد ما تضادی که برای حل تضادهای موجود میان دو تضاد در درجه اول باید حل شود، تضاد عمده است.

سوال - مبنای تئوریک این تعریف شما چیست؟ و آن را از کجا گرفته اید؟

جواب: ما این تعریف را با حرکت از دیدگاههای مارکس، انگلس، لنین و استالین تدوین کرده ایم. منابعی که این چیزها به شکل شماییک در آنها پیدا شوند، وجود ندارد و به شکل عمومی می توانند از این تحقیقات بیرون آیند. حرکت از تضادهایی که ما به شکل عمده و اصلی و اساسی مطرح کرده، در درون حرکت کمونیستی جهان مسائل پیشی آورده، زیرا این تعاریف مجرد از هم دیگر مورد بررسی قرار گرفته اند و بین آنها و سایر تضادهای دیگر تفاوتی هست که باید جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. تضادهایی که ما بیان می کنیم به این شکل مجرد نیستند و به این جهت ما با آن تعریف مخالفیم.

آثاری که این تعاریف به شکل شماتیک در آنها پیدا شود، فقط نوشته های مائو است ولی با استفاده از آثار مارکس، انگلس و لنین است که محتوای درست مسئله را می توان دریافت.

سوال - رفیق، شما گفتید که تضاد عمده عبارت است از تضاد خلق با امپریالیسم، بورژوازی وابسته و فاشیسم. طبعاً برای حل این تضاد باید پایه های مادی آن، یعنی سرمایه داری بزرگ و انحصارات از بین برود. از این صحبت نتیجه می گیریم که حل تضاد عمده، بخش عمده تضاد کار و سرمایه را حل می کند. آیا این استنتاج مادرست است یا نه؟

جواب: مادر هیچ حاشی تضاد عمده را بین خلق و امپریالیسم نمی دانیم. زیرا تضاد مجرد، خود بخودی بین خلق و امپریالیسم نمی تواند مطرح باشد، همچنانکه روشن است، عبارت خلق در شرایط هر کشوری نسبت به مراحل انقلاب، طبقات و اقشار مختلفی را در بر می گیرد. در کشور ما در مرحله فعلی، در هجوم و ازمایش خلق، پرولتاریا، دهقانان فقیر و بطور عمومی خرده بورژوازی می گنجد. تضاد اینها با امپریالیسم، به دلیل وابستگی سرمایه داری انحصاری به امپریالیسم مطرح است. به همین دلیل حل تضاد خلق با امپریالیسم از گامال حل تضاد با سرمایه وابسته انحصاری و اقتدارات آن می گذرد. حل آن نیز، وابسته به مبارزه مجرد خلق نیست، بلکه با مبارزه های طبقاتی به رهبری پرولتاریا امکان پذیر می شود. مبارزه خلق مجرد از محتوای تضاد مطرح نیست.

سوال - رفیق، شما از حل تضاد عمده ای که در دسترس روز است، صحبت می کنید. نیروهای که در دو طرف این تضاد قرار دارند، چه کسانی هستند؟ به عبارت بهتر، چه اقشار و طبقاتی در آن قسمت قرار دارند؟

جواب: در آنجا نیروهای ضد انقلاب در درجه اول عبارتند از:

فاشیسم و پایگاه مادی آن سرمایه انحصاری وابسته بود. ارتباط آن امپریالیسم نه مستقیم، بلکه غیر مستقیم و علاوه بر اینها بطور کلی بورژوازی، منظور از بورژوازی، سرمایه متوسط خارج از انحصارات و در عین حال وابسته به انحصارات است. اینها نیروهای ضد انقلابند. به علت اینکه سرمایه داری انحصاری در مناطق روستائی ما نیز حاکم شده، علاوه بر اینکه نیروهای ضد انقلاب سرمایه انحصاری بخش روستاهم مورد نظراست، صاحبان زمین های بزرگ و دهقانان ثروتمند نیز در این جناح حای می گیرند. نیروهای انقلاب بطور اساسی عبارتند از:

کارگران و دهقانان فقیر و همراه آن بطور عمومی خرده بورژوازی شهر و روستا. در درون این بخش از خرده بورژوازی روستائی، علاوه بر دهقانان فقیر، تولید کنندگان کوچک و دهقانان ماسه حال نیز حای می گیرند. در

همین دلیل انقلاب دموکراتیک، از بین بردن فشار انحصاری خرده بورژوازی راهم هدف قرار می دهد و به علت سهم داشتن خرده بورژوازی در قدرت، منافع آنرا حفظ می کند. سوال - رفیق، توضیحاتی که دادید، در حقیقت دلایل مورد نظر ما نبود، بلکه تعریف انقلاب دموکراتیک بود. چرا انقلاب شامد دموکراتیک است. یعنی چرا این نیروها در انقلاب شامش شرکت دارند؟

جواب: اولاً خرده بورژوازی زیر فشار هر روز اقتصاد سرمایه انحصاری خرد می شود و ثانیاً از نظر سیاسی نیز سرمایه فاشیسم، انحصارات و سیاست های ارتجاعی آن خرده بورژوازی را زیر ضربه دارد. بدین ترتیب خرده بورژوازی نیرویی است که از نظر سیاسی و اقتصادی می تواند علیه انحصارات مبارزه کند. پرولتاریا نیز بدون مبارزه در راه سوسیال دموکراسی، نمی تواند به سوسیالیسم برسد و اگر هم بتواند در این مبارزه نقش پیشاهنگر را ایفا کند، تنها به کمک دهقانان فقیر از عهده انجام این مبارزه بر نخواهد آمد. به همین دلیل خرده بورژوازی نیز در این مبارزه در کنار پرولتاریا قرار می گیرد و این انقلاب یک انقلاب دموکراتیک خواهد بود.

سوال - رفیق، مگر در فرانسه، انگلیس و بطور کلی در کشورهای اروپائی، خرده بورژوازی زیر فشار انحصارات نیست پس چرا در آنجا خرده بورژوازی انقلابی بحساب نمی آوریم؟
جواب: درست است. آنجا نیز خرده بورژوازی تحت فشار است. اما اولاً فشار سیاسی ای که در آنجا بر خرده بورژوازی اعمال می شود با فشار بر روی خرده بورژوازی ما برابر نیست. ثانیاً درجه انحصارات اقتصادی بر خرده بورژوازی در اروپا و کشورهای متفاوت است. در کشور ما بورژوازی انحصاری هیچ حق دموکراتیکی برای خرده بورژوازی نمی شناسد. ثالثاً در کشورهای ما پرولتاریا بدون اینکه خرده بورژوازی را در کنار خود قرار دهد، قدرت به انجام رساندن مبارزه را ندارد، یعنی کیفیت و وضعیت شکل پرولتاریا در کشور ما با کیفیت و شکل پرولتاریا در کشورهای امپریالیست فرق دارد. سوال - شما در آستانه تشکیل حزب هستید. چه وظایفی را با بد انجام دهید تا موفق شوید حزب طبقه کارگر را در ترکیه بنیان گذارید؟

جواب: حرکت پرولتاریا بدون سازمان دهی متمرکز و سرتاثری نمی تواند در مبارزه علیه بورژوازی موفق باشد و ما با این دید در جهت ایجاد حزب تلاش می کنیم. بنابراین، اولاً حزب باید سیاست مستقل طبقه کارگر را در پیش گیرد، ثانیاً به اساس طبقاتی پرولتاریا تکیه کند و ثالثاً سازمان دهی مخفی و مبارزه قهرآمیز را اساس قرار دهد و در جهت به کارگیری این اصول و اساس، دارای سازمان دهی متمرکز و سرتاثری باشد.

سوال - شما می گوید حزب باید به طبقه کارگر متکی باشد توضیح دهید که این اتکات چه حد باید باشد؟

جواب: شرایط تشکیل حزب در هر کشوری متفاوت است و حزب باید با توجه به این شرایط بنا شود. به عنوان مثال در روسیه و بلغارستان، حزب در جریان تشکیل، قبل از اینکه به نیروی مورد نظرش اتکاف داشته باشد، به وجود آمده و تکمیل شده بود. اما در شرایط ما حزب در جریان تشکیل خود، از همان ابتدا باید حمایت طبقاتی پرولتاریا را جلب و جذب کند. منظور از تکیه بر اساس طبقاتی این است که پرولتاریا باید در درون این سازمان، بخش سنگین تشکیل دهد و حرکت او در حد معینی توسط این سازمان رهبری شود. در کشورهای دیگر، در جریان تشکیل حزب، تعداد عناصری که پایگاه کارگری دارند، کمتر از عناصر روستا و فقراست اما در شرایط ما حتی از همان ابتدا کارهایی که پایگاه کارگری و دهقانانی داشتند، اکثریت را تشکیل می دادند.

در تبدیل تشکیلات ما از سازمان به حزب، تغییرات اساسی روی نخواهد داد. ما در مبارزه سازمانی خود از مراحل مختلفی گذشته ایم و در این مراحل چه از نظر کاردهای سازمانی و چه از نظر تشکیلات و سیاست سازمانی، رشد سریعی کرده ایم. ما تشکیلاتمان را طی این مراحل به شکل متمرکز سازمان دهی کردیم و سیاست ما در سازمان دهی، تشکیل یک حزب را هدف قرار داده بود. به این دلایل، ما از نظر تشکیلاتی ارگانهای مشخصه یک حزب را داریم، و از نظر سیاسی نیز برنامه حزب را مشخص کرده و تمام بخش های آن را تکمیل کرده ایم. این است که اکنون برای تبدیل شدن به حزب، طبعاً تغییرات بنیادی در پیش نخواهیم داشت. سوال - آیا شما با سازمان ها و گروه های مارکسیست دیگر هم به وحدت رسیده اید؟

جواب: شرایط ترکیه با شرایط بسیاری از کشورهای که در آنها احزاب کمونیست به وجود آمده اند، بخصوص بلغارستان و روسیه متفاوت است. وقتی به پیرویه تشکیل بقیه در صفحه ۷

شهر نیز بطور کلی خرده بورژوازی، چه روشنفکران خرده بورژوا و چه اصناف و سایر خرده بورژواها. سوال - شما به جز پرولتاریا و دهقانان فقیر که نیروهای انقلاب سوسیالیستی هستند، خرده بورژوازی را هم جزو نیروهای انقلاب به حساب می آورید، خرده بورژوازی را در روستا دهقانان فقیر، تولید کنندگان کوچک و ماسه حال و در شهرها روشنفکران و کسبه می دانید. آیا از نظر اقتصادی این اقشار جزو استثمار شوندگان به شمار می روند یا استثمار کنندگان؟

جواب: به جز طبقه کارگر و دهقانان فقیر، بورژوازی شهر و دهقانان فقیر نیستند که مستقیماً با فروش نیروی کار خود استثمار شوند اما در داخل سیستم سرمایه داری وابسته که از یک طرف بورژوازی به طرق سیاسی آنها را تحت فشار می گذارد و از طرف دیگر به طرق اقتصادی، یعنی ارزشی که اینها با تکیه بر کار خود ایجاد می کنند، مورد هجوم و استثمار قرار می گیرد.

سوال - معیار شما برای تفکیک اقشار میانه دهقانان، از اقشار بالای آن چیست؟

جواب: دهقانان فقیر، کوچک، متوسط و ثروتمند را باید در شرایط خاص هر کشور تعریف کنیم. اگر آنها را بر حسب مقدار زمین ها مشخص نمائیم، دچار اشتباه می شویم. آنها به شکل عمومی چنین از یکدیگر متمایز می شوند:

دهقانان کوچک یا تولید کنندگان کوچک روستا. با زمین کوچک خود نمی توانند زندگی خود را تأمین کنند و در مواردی مشخص بنا به دلیل مذکور به فروش نیروی کار خود نیز می پردازند.

دهقانان متوسط با فعالیت روی زمین خود می توانند گذران زندگی کنند و در سالهایی که فصل خوب باشد می توانند محصول اضافی نیز به دست آورند، حتی گاهی یکی دو کارگر را نیز به کار می گیرند.

و اما دهقانان ثروتمند، روی زمین خود کار نمی کنند و همیشه کارگر اجیر می کنند. اینها محصول اضافی به دست می آورند و رفیقان بر درآمدشان افزوده می شود. این دهقانان صاحب زمین های بزرگی هستند که پیوسته وسعت بیشتری می یابند.

سوال - رفیق، شما قشرهای بالائی و مرده دهقانان را که جزو نیروهای ضد انقلاب به حساب می آورید، به چه وسیله از سایر اقشار مشخص می کنید؟ آیا آنها را با این خصیصه که آنقدر درآمد دارند که می توانند انباشت هم بکنند، از دیگران جدا می کنید یا ضابطه دیگری دارید؟

جواب: در ترکیه دهقانان ثروتمند بطور عمومی مانند کلیه کشورهای که در آنها کاپیتالیسم در روستاها حاکم شده مدافع سیستم سرمایه داری وابسته انحصاری می باشد. از این طریق است که آنها نمی توانند به موجودیتشان ادامه دهند و انباشت سرمایه داشته باشند. بنابراین تنها به خاطر انباشت سرمایه نیست که در طبقه نیروهای ضد انقلاب قرار دارند، بلکه وابستگی آنها به سرمایه انحصاری نیز مزید علت است.

سوال - چرا دهقانان ثروتمند به انحصارات وابسته اند و دهقانان میانه حال این وابستگی را ندارند؟

جواب: در کشورهای مثل ترکیه، انباشت سرمایه و افزایش زمین دهقانان ثروتمند فقط در رابطه با انحصارات و وابستگی به آن تأمین می شود. در شهرها افرادی هستند که در روستا زمین های بزرگی دارند و از این طریق ثروت مند می شوند و این در رابطه با کمک ها و وام های سرمایه های انحصاری امکان پذیر می شود. دهقان متوسط چنین وضعیتی ندارد، او نمی تواند از وام های سرمایه انحصاری استفاده کند و نه در رابطه با فروش محصول می تواند از زیر فشار انحصارات کمربست گمراست کند و محصول را به قیمت دلخواه خود بفروشد. او از آنجاکه ناگزیر است محصول خود را به قیمتی که انحصارات تعیین می کنند، به فروش برساند، منافع را از دست می دهد و برخلاف دهقانان ثروتمند که هر روز زمین بیشتری و سرمایه افزونتری به دست می آورند، به دلیل کنترل فروش از طرف انحصارات هر روز فقیرتر می شود. به این ترتیب او در خط مبارزه با سرمایه انحصاری، و دهقانان ثروتمند، در خط دفاع از آن قرار می گیرد.

سوال - رفیق، چرا شما معتقد هستید که انقلاب شامد دموکراتیک است و سوسیالیستی نیست؟

جواب: از نظر سیاسی فقط طی یک دوره دموکراسی سیاسی می توان به طرف انقلاب سوسیالیستی گذار کرد و از نظر اساس مادی نیز انقلاب سوسیالیستی از بین بردن تمام مالکیت خصوصی را هدف قرار می دهد، بنابراین انقلاب ما انقلابی است علیه فاشیسم و یک ساخت سیاسی ارتجاعی. انقلاب ما یک دموکراسی سیاسی را واقعیت خواهد بخشید و اقتداری که به وجود خواهد آمد، صرفاً اقتدار کارگران و دهقانان فقیر است، بلکه خرده بورژوازی هم درون آن حای می گیرد. به

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی و

مردم میهن ما ناقص کامل سلطه امپریالیسم امپریالیست

حزب سوسیال دموکرات کارگری در روسیه نگاه می کنیم ، می بینیم که برنامه و اساسنامه آنها بعد از تشکیل حزب شکل گرفته ، مبارزه ایدئولوژیک با نظرات مختلف درون حزب انجام شده و اصول برنامه حزبی در مبارزه ایدئولوژیک درون حزب مشخص شده است . در ترکیه یک چنین پروسه ای طی نشد و مبارزه ایدئولوژیک از همان ابتدا بین سازمان های مختلف صورت گرفت . در ترکیه علت اینکه احزاب مختلف اپورتونیست برنامه خود را بطور همه جانبه تنظیم کرده بودند و از همان ابتدا مهم ترین اصول یک حزب مارکسیستی را زیر پا گذاشته بودند ، این مسئله که با همه آنها یکی بشویم و در یک تشکیلات مبارزه ایدئولوژیک راه پیش ببریم ، برای ما مطرح نبود . ما از بیرون وبه شکل گروه ها و سازمان های مختلف ناگزیر به پیشبرد این مبارزه ایدئولوژیک شدیم . این مبارزه ایدئولوژیک رفته رفته پایه های یک برنامه مشخص را گذاشت و امروز وحدت فقط بر اساس اصول این برنامه مشخص می تواند مطرح باشد ، نه با همه جریان ها و فرآکسیون ها . روشن است که اگر گروه ها یا سازمان ها شی خط سیاسی این برنامه را قبول کنند ، وحدت با آنها را خواهیم پذیرفت . در ترکیه گروه هایی هستند که تشکیلات منسجمی ندارند ، پیوسته اشعاباتی در درون گروه های اپورتونیست صورت می گیرد . علاوه بر اینها ، گروه هایی هستند که هنوز خط سیاسی شان روشن نیست . اینها نیز به طرف ماکشیده می شوند و ما جذبشان می کنیم .

سؤال - از نظر شما اصول وحدت ایدئولوژیک چیست ؟
یعنی اگر کسی بخواهد به شما پیوندد ، چه اصولی را باید قبول کند تا شما این گروه یا سازمان یا فرد را بپذیرید و یا با او وحدت کنید ؟

جواب : در ترکیه خطوط سیاسی مختلفی هست که برنامه های گوناگونی هم ارائه داده اند . یکی خطی است که مبارزه با فاشیسم و کاپیتالیسم را مطرح می کند . دومی خطی است که انقلاب دموکراتیک ملی و مبارزه علیه فئودالیسم و امپریالیسم را مدنظر قرار می دهد . علاوه بر اینها خطوطی هستند که انقلاب را سوسیالیستی می دانند . ما با خطوطی که انقلاب را دموکراتیک ، ضد فاشیستی و ضد امپریالیستی می شناسند ، در اصول کلی این خط ، می توانیم به توافق برسیم . اما توافق در جزئیات برنامه هایی که این خطوط گوناگون مشخص کرده اند ، امکان پذیر نیست . شرایط این توافق ، در مبارزات درون حزبی می تواند فراهم شود ، از دیدگاه سازمان دهی نیز ، ما با کسانی که کار مخفی را اصل قرار داده و در عین حال امکانات علنی را رد نکنند و اصل قهر توده ای را نیز قبول داشته باشند ، بر این اساس می کشیم که به وحدت برسیم . در سیاست بین المللی هم هدف ما این است که با کسانی که صاحب دیدگاه های زیر باشند ، به توافق برسیم :

- ۱- سیستم سوسیالیستی را بپذیرند .
- ۲- در مبارزات طبقاتی و در راه رسیدن به سوسیالیسم اتحاد کشورهای سوسیالیستی و سیستم سوسیالیستی را لازم بدانند .
- طبیعی است با کسانی که پیشبرد مبارزه را جدا از کشورهای سوسیالیستی و یا علیه آنها می بینند ، نمی تواند وحدت صورت گیرد . آنها باید با قبول مبارزه در راه مترناسیونالیسم این نقطه نظر را رد کنند که همه چیز از طرف کشورهای

گفتگوی گوناگونی با یکی از رفقای ...

بقیه از صفحه ۶

سوسیالیستی متوقع باشند و نیز در مبارزات درون کشور و روابط بین المللی وظایف مبارزاتی خود را به جای آورند . و اما مسئله تز سوسیال امپریالیسم ، دیگر در ترکیه مسئله ای نیست و ما ثبوتی هائی که تز سوسیال امپریالیسم را قبول می کنند ، به هر شکلی هم که در آیند ، دیگر در درون جریان های انقلابی راه ندارند . آنها قیلا افشا و منزوی شده اند بنا بر این ، دیگر مبارزه علیه دیدگاه های آنها ، از حالت مسئله درون نیروهای انقلابی خارج شده است . ما معتقدیم که امروز جریان هایی که تز سوسیال امپریالیسم را مطرح می کنند ، یا با ارتجاع چین وحدت کرده اند و یا با ارتجاع دیگری و در درون صف امپریالیسم قرار گرفته اند و بنا بر این آنها را در ارزیابی های خود ، جزو نیروهای ضد انقلاب به شمار می آوریم و روشن است که فقط کسانی که علیه ارتجاع چین و ارتجاع امپریالیستی موضع می گیرند ، می توانند در درون مبارزه ماقرار گیرند .

سؤال - رفیق ، شما در برنامه ای که تهیه کرده اید به مسئله زمین چگونه پاسخ داده اید ؟

جواب : ما راه حل های خود را ، در مورد مسئله ارضی ، با در نظر گرفتن حاکمیت سرمایه داری انحصاری بیگان می کنیم . و در سرمایه های انحصاری به روستاهای ما به عنوان مثال ، با نحوه رشد انحصارات روستائی به شکل :

- ۱- از طریق انحصارات روستائی تجاری
- ۲- از طریق قیمت گذاری انحصاری بر محصولات کشاورزی
- ۳- از طریق تجمع زمین ها و مزارع در دست بخش های خصوصی و یا دولت ، به شکل انحصاری
- ۴- در ترکیه ، کاپیتالیسمی که از طریق فرم حاکم شده ، فئودالیسم را از راه تقسیم زمین های آنها تصفیه نکرده است ، بلکه با حفظ این زمین های بزرگ ، آنها را به شکل سرمایه داری به کار انداخته است ، اربابان فئودال تبدیل به بورژواژی شده اند که با وابستگی به انحصارات ، به کشت زمین ها ادامه می دهند و با استفاده از اموال های بانکی نیز این حاکمیت تحکیم شده است . بنا بر این راه حل ما در مورد مسئله ارضی ، با تکیه بر این دیدگاه ها چنین است :

- ۱- صادره زمین ها از طریق قهر
- ۲- عمومی کردن زمین های صادره شده
- ۳- کلکتیو کردن (جمعیت کردن) زمین ها
- ۴- ملی کردن زمین ها
- ۵- برقرار کردن حق تصرف تحت کنترل کمیته های انقلابی روستائی

سؤال - آیا در نقاط مختلف ترکیه ، ناهمانگی رشد اقتصادی به چشم می خورد ؟ مسئله ملی در ترکیه چگونه است ؟
جواب : رشد کاپیتالیسم در ترکیه طبعاً در مناطق مختلف یکسان نبوده و نمی تواند هم باشد . اما در عین حال در تمام ایالت های ترکیه کاپیتالیسم با ساخت انحصاری خود حاکم شده است . در عین حال ، رشد ناهمانگ کاپیتالیسم در نقاط مختلف ادامه دارد . روشن است که رشد ناهمانگ کاپیتالیسم ، در رابطه با وابستگی به امپریالیسم ناهمانگی ها را در بازار داخلی از بین نمی برد . مسئله ملی

نیز در رابطه با این ساخت اقتصادی در نظر گرفته می شود . به علت اینکه بورژوازی انحصاری به شکل متمرکز در داخل ترکیه حاکم شده ، بورژوازی حاکم ترک با بورژوازی کرد و سایر اقلیت ها ، با هم در وحدت قرار می گیرند و به قول لنین در واحدهای تولیدی مشترک نیز کارگران را از ملیت های مختلف یکجا به کار می گیرند . بنا بر این مسئله ملی در ترکیه ، مسئله یک انقلاب است و حل آن با انقلاب پرولتاریا میسر است .

سؤال - در مورد مسئله ملی توضیحات بیشتری بدهید .
جواب : ما مسئله ملی را بطور کلی در مراحل مختلفی نگاه می کنیم . این مسئله را به سه شکل می توان بررسی کرد : اول - دوره ای که کاپیتالیسم تازه حاکمیت رسیده و بقول لنین و استالین ، مثل دوره ای است که در اروپای غربی حاکمیت ملی مختلف برقرار می شود .

دوم - در دوره امپریالیسم ، در ارتباط با امپریالیسم و کشورهای عقب نگاه داشته شده ، مسئله ملی به شکل مبارزه با امپریالیسم بروز می کند و بورژوازی ملی نیز در درون این مبارزه ضد امپریالیستی جای می گیرد و انقلاب های بورژوازی - دموکراتیک صورت می پذیرد . در جریان انقلاب روستایی یک چنین مسئله ای پیش آمده بود . در آنجا حل مسئله ملی به شکل دموکراتیک ، قبل از هر چیز در مبارزه علیه امپریالیسم و استعماری می توانست تحقق یابد . و ما بعد ها که امپریالیسم بورژوازی را در کشورهای وابسته نیز رشد داد و این بورژوازی با امپریالیسم توافق کرد و وارد روابط وابستگی شد ، این نتیجه را به دست داد که مسئله ملی تنها در یک مبارزه مشترک به رهبری طبقه پرولتاریا می تواند حل شود و بورژوازی دیگر کیفیت پیشاهنگی مبارزه در جهت حل مسئله ملی را ندارد .

به این دلیل ، حل مسئله ملی فقط در مبارزه علیه امپریالیسم میسر نیست ، بلکه علیه بورژوازی داخلی نیز در این زمینه باید مبارزه شود . بنا بر این مسئله خلق های تحت ستم و مستعمرات تنها بر این اساس می تواند حل شود . در ترکیه نیز ، وضعیت فوق و در هم آمیزی بورژوازی ملت حاکم و ملت تحت ستم و وابستگی آنها را به سرمایه امپریالیستی می بینیم . به این جهت در ترکیه نیز مسئله ملی ، در مبارزه ای به سرگردگی و پیشاهنگی طبقه کارگر و دهقانان فقیر می تواند حل شود .

باید دانست که مسئله ملی ، مسئله تمام ملت ترک یا کرد نیست . این مسئله برای بورژوازی کرد حل شده ، زیرا برای بورژوازی ، مهم ، مسئله بازار است . بورژوازی کرد از بازار سهمش را می گیرد و تنها از بازار کردستان ، بلکه در درون سیستم انحصاری وابسته ، از بازارهای سایر مناطق ترکیه نیز سهمی می گیرد و روشن است که در برابر مبارزه ملی در کردستان ، خواهد ایستاد . این مسئله در کردستان سرای دهقانان و خرده بورژوازی ، به خاطر سیستم فکری ناشی از مالکیت خصوصی مطرح است و امروز به صورت مسئله دهقانان و خرده بورژوازی در آمده است که با پیشاهنگی پرولتاریا می تواند حل شود .

طبقه کارگر و زحمتکش کرد برای آنکه هر چه سریعتر به سوی سوسیالیسم پیش روند ، این مسئله را نیز باید حل کنند و با تعلیم و تربیت پرولتری رشد بقیه اقشار را در این زمینه هر چه که ممکن تر سازند . حقوق ملیت ها ، همچنانچه در سایر کشورهای مطرح است ، با معنی حق تشکیل دولت مستقل درک می شود . این امر هم با تحقق انقلاب در ترکیه می تواند حل شود .

وزارت کشاورزی حامی زمینداران بزرگ و ...

بقیه از صفحه ۱۲

مردم را در حل مسئله باغسات غصب شده شان می آوریم .

- ۱- باغ ها بدون هر نوع دفع الوفتی به صاحبان اصلی آن یعنی روستائیان واگذار شود .
- ۲- در مورد پرداخت حق السهم روستائیان از فروش محصول سال جاری تجدید نظر شود و همان مبلغ توافق شده اولیه یعنی ۸۰٪ به روستائیان پرداخت گردد .
- ۳- در مورد جبران خسارات روستائیان در طی سال هائی که باغ ها بدون جهت در اختیار سازمان عمران بوده و درآمد حاصل به روستائیان پرداخت نشده ، فوراً اقدام شده و خسارات ناشی از آن سی درنگ روستائیان پرداخت گردد .
- ۴- همانگونه که روستائیان توافق کرده بودند باغ ها بصورت شورائی مورد بهره برداری قرار گیرد و سازمان عمران بایستد تمامی خدمات لازم را در اختیار شورای اداره کننده که منتخب روستائیان و کشاورزان زحمتکش باشد ، قرار دهد .

درآمد حاصل از فروش به نسبت ۲۰ و ۸۰ به ترتیب بین روستائیان و سازمان عمران (برای جبران مخارج جاری باغ) تقسیم گردد ولی از آنجائی که نمایندگان و کارگزاران ، زمین داران و سرمایه داران بزرگ همچنان پست های حساب وزارت کشاورزی را در اختیار دارند ، نسبت فوق را بعدها در صورت جلسات ساختگی تغییر دادند و نهایتاً سهم روستائیان به ۱۵٪ کاهش یافت . اما همین مبلغ هم تا این اواخر پرداخت نشد و واگذاری باغات به صاحبان اصلی آن همچنان مسکوت مانده است . به این جهت کشاورزان و روستائیان زحمتکش با اعلام خواست های خود متحداً در بازارپس گرفتار زمین ها و باغ های غصب شده به مبارزاتشان ادامه داده و در این راه تا پای جان پیش خواهند رفت در اینجا موارد عمده مورد تکیه و

ناتمام ماندن و حضور سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ همچنان در قدرت حاکمیت بر همگان عیان بود با وجود این از قطعیت زحمتکشان ذره ای گاسته نشد و تعدادی از روستائیان ، روستائیان باغ ها را صادر کرده و ما موران سازمان عمران را اخراج کردند . با بالا گرفتن مصادره باغات هیئتی از طرف وزارت کشاورزی مامور رسیدگی به جریانات هیئت مذکور پس از بررسی مسئله در محل ، در گزارش خود به تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۵۸ برحقانیت روستائیان صحنه گذاشت و اکتفا معتقد بود که باغات باید به صاحبان اصلی آن یعنی روستائیان واگذار شده و به حقوق غصب شده آنان رسیدگی شود . در مورد برداشت محصول سال جاری نیز قرار می شود که محصول زیر نظر روستائیان برداشت شده و

۴۸ درصدی کسب حقوق خود بارها به مراجع مختلف شکایت بردند . پس از قیام بهمن ماه روستائیان امیدوار بودند که موانع واگذاری آنان به حقوق پایمال شده شان برسند . ولی از آنجائی که در حاکمیت سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ در کنار قشربون نمی خواستند به هیچ یک از اهرم های قدرت دولتی نظیر ارتش و نظام اداری و غیره آسیب برسد به این جهت تلاش خود را در جهت حفظ و حراست آن قرار دادند و علیرغم تمامی ادعاهایشان از مشارکت مردم در کارها جلوگیری نه عمل آوردند . به این ترتیب با حفظ سیستم قبلی طبیعتاً کشاورزان و زحمتکشان قزوين نیز همچنان تحت استثمار گردانندگان و پاپه گذاران سازمان عمران قرار داشتند . اما اگر چه انقلاب

اولیه که به امضاء طرفین قرارداد (کشاورزان و سازمان عمران) رسیده بود می بایست پسر از گذشت ۵ سال از زمان احداث باغ به صاحبان اصلی آن یعنی روستائیان واگذار شود . اما موانع اساسی در این راه وجود داشت . اول این که این سازمان عظیم که دیگر مخارجش سر به جهنم می زد و واگذاری باغات را با ازمه پاشیدگی خود برابر می دید و به شدت با این عمل مخالف بود و حتی از واگذاری آن به موسسه دیگری نظیر " تعاون روستائی " خودداری می کرد . دوم این که سردمداران وقت وزارت کشاورزی در کنار دیگر سرمایه داران و زمین داران بزرگ هر سال میلیونها تومان از درآمد باغات را غارت می کردند و به عنوان ودایع مختلف چنین وانمود می کردند که واگذاری باغات به کشاورزان صلاح و مصلحت دولت نیست . در این میان روستائیان علیرغم همه سرکوب ها و فشار هائی که تحمل می شدند هیچگاه از اعتراض باز ایستادند و از سال

فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

نظری برصف آرائی های جهانی

دوستان و دشمنان جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک ...

دولت ایران در بانک های آمریکا فزونی گرفت. به دنبال آن بانکهای آمریکایی در اروپا با استفاده از امکانات قانونی آن کشورها در صدور بلوکه کردن دارایی های دولت ایران در این کشورها سرآمدند. مثلاً شعبه لندن بانک "کمیکال بانک نیویورک" برای دریافت ۵۱۰ میلیون دلار طلب خویش از ایران خواستار بلوکه شدن سربده های بانک مرکزی ایران در انگلستان شد. دادگاهی که برای این کار فراخوانده شده بود. مجبور به اصطلاح قانونی لازم را صادر کرد در آلمان کمیسی مورگان گراستی "امریکایی با اقدامات خویش از طریق دادگاه ۲۵٪ سهم دولت ایران در کربوب را توقیف نمود. در فرانسه شعبه های مختلف بانکهای امریکایی همین عمل را انجام دادند "بانک او آمریکا" که کمیسی از بزرگترین بانکهای تجاری آمریکا است، به بهانه دریافت ۳۰۰ میلیون دلار طلب خویش علیه ایران به دادگاه شکایت کرده و می گوید سربده های مسدود شده برداشت نماید. فشار همه جانبه انحصارات مالی زمانی بیشتر درک می شود که به درخواست "دیویسید راکفلر" از بانکهای طرف معامله با ایران توجه کنیم. "دیویسید راکفلر" ارتعاب بانکهای که از ایران طلبکار می باشند، دعوت کرده که به خاطر به اصطلاح عقب افتادن بازپرداخت وام های خود از ایران دست به اقدامات حدی برزنند و برای دریافت طلب خویش هر چه سریعتر اقدام کنند.

می گفتند، اگر سربده های پولسی ایران را از بانک های امریکایی خارج می کردند، اگر از همان ابتدا رابطه دلار با ریال را قطع می کردند، اگر پول نفت را با ارزی به جز دلار دریافت می کردند، اگر کنسولون امپریالیسم امریکایی نتوانست با بلوکه کردن ذخایر ارزی ایران اقتصاد ما را در تنگنا قرار دهد و دست کم ۹ میلیارد دلار از ثروت ملی ما را ضبط نماید. با گفته پیدا است که امپریالیسم امریکاه در عرض اندام های کنونی خود تا چه حدی بدون سیاست آقایی باررگان، این نخست وزیر "منتخب امام" است. و باز ناگفته پیداست

بدون همدستی احزاب لیبرال و محافل لیبرال، امپریالیسم امریکا هرگز به این صورتی که اکنون مطرح است، نمی توانست با اقدامات خود اقتصاد ما را در تنگنا قرار دهد.

که اقدامات آیت الله خمینی در ایران دوستی بالیبرال ها و ضد دور فرامین پی در پی برای سیردن اموریه "بازرگان" ها و "یزدی" ها تا چه میزان در موثر افتادن فشار اقتصادی انحصارات امریکایی و دیگر امپریالیست ها دخالت دارد. جالب این است که پس از گذشت ده ماه از قیام توده های میهن ما، خواست انقلابی کارگران ایران در مصادره انقلابی امینوال و سرمایه های امریکایی، به عنوان اقدامات "سهانه جویانه" و "ضد انقلابی" توسط شورای انقلاب اسلامی سرکوب می گردد. این حقایق هم نشان می دهند که بدون همدستی احزاب و محافل لیبرال امپریالیسم امریکاه هرگز به این صورتی که اکنون مطرح است، نمی توانست با اقدامات خود اقتصاد ما را در تنگنا قرار دهد. این حقایق هم نشان می دهند که مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه طبقاتی، از مبارزه علیه طبقه سرمایه دار که تنها ما وابسته است و به ویژه در شرایط کوسی از مبارزه با سرمایه داری لیبرال جدا نیست. "کارتر" امید زیادی به "بهترین دوستان خود" نظیر بازرگانها و یزیدی ها بسته است.

فشار سیاسی دولت های امپریالیستی فشار انحصارات در سبستی که دولت های امپریالیستی انجام کرده اند سزاعکس دارد. این فشار ما هم به تکی ترکیب و ماهیت هیئت حاکمه به پیش رانده می شود. امپریالیسم امریکاه از طریق فشارهای خود تحکیم موقعیت سیاسی طبقه سرمایه دار ایران را در هیئت حاکمه مدنظر دارد. پشتیبانی امپریالیسم امریکاه از لیبرال ها برای نهبوست نمودن آنها در هیئت حاکمه و کسب

حمایت نمود. هم چنین وزرای ۹ کشور عضو جامعه اقتصادی اروپا (بازار مشترک) علیه اقدامات ضد امپریالیستی مردم میهن ما موضع گرفتند. پارلمان اروپا نیز تصمیم گرفت که مسئله تسخیر سفارت رادر دستور کار خویش قرار دهد. امریکه بطور حتم به اعلام حمایت پارلمان اروپا از امریکاه منتهی خواهد شد. "برزیلینسکی" و "ونس" طراحان سیاست های انحصارات امریکایی به کوشش های جدیدی دست زدند.

حکومت فاشیستی عراق کوشش می کند از مبارزه طبقاتی موجود در ایران به نفع مقاصد ارتجاعی خویش استفاده کند.

"برزیلینسکی" در مصاحبه خود از همه کشورهای دعوت کرده که به حکومت ایران فشار آورند. در تعقیب این سیاست است که "سایروس ونس" در سفر اروپائی جدید خود می گوید سیاست کشورهای امپریالیستی آلمان، انگلین، فرانسه و ایتالیا و استرالیا، و ژاپن را یکدست و همگون سازد. نتیجه این سفر از هم اکنون مشخص است. نخست وزیر ژاپن در پاسخ به انتقاد امریکاه از دولت ژاپن دایره ناه دیده گرفتن تحریم نفتی امریکاه و متحدانش روز چهارشنبه ۲۱ آذر اعلام دلشکست که: در صورت بحرانی تر شدن رابطه ایران و امریکاه، دولت ژاپن قطع کامل واردات نفتی خود را از ایران مورد بررسی قرار خواهد داد. سخنگوی "زیسکار" در سخن "ونس"، "زیسکار دستن" به او گفته است:

"فرانسه در هر اقدام دیپلماتیک برای آزاد کردن گروگان های امریکایی در تهران شرکت خواهد کرد." امریکاه موازات این اقدامات کوشید ایران را از طریق سازمان ملل و دیوان عالی لاهه، به انزوا کشاند. شورای امنیت پس از ده روز بحث و جدل، قطعنامه ای در ۴ ماده صادر نمود. در این قطعنامه بد و ن آنکه خواست خلق ایران در مورد استرداد شاه ذکر شود، از موضع امریکاه حمایت شده است، دیوان عالی لاهه نیز سرانجام حکم محکومیت مبارزات ضد

مردم و بیتنام که خود پیشگام مبارزات ضد امریکایی در جهان بوده اند، بخوبی به اهمیت این مبارزه واقف هستند و مطمئن اند دارند که مردم ایران همچون مردم و بیتنام قطعات این مبارزه پیروز خواهند شد.

امپریالیستی خلقهای ما را صادر نمود. وابسته ها به حمایت از ارباب خود سینه چاک می دهند. به دنبال اربابان، نوکران و سگهای آنان نیز جنگ و دندان به خلقهای مبارز ایران نشان می دهند. دولت اسرائیل در پاسداری از منافع امپریالیسم جهانی سرکردگی امریکاه به قهر درانی پرداخت. "آبا" ابان "وزیر پیشین اسرائیل" خواستار آن شد که یک روز به عنوان روز همبستگی با دیپلمات های "حاسوس امریکاه" اعلام شود. "دایان" در سخنرانی خویش برای صهیونیست های امریکاه،

دولت کارتر را با اقدام نظامی دعوت کرد. "سادات" روز جمعه ۹ آذر اعلام کرده که حاضرات در مصر از شاه پذیرائی کند. حزب ناسیونال دمکرات مصر تقاضای دادن پناهندگی سیاسی به شاه جانی کرد. پس از ملاقات "فهد بن تیمور" معاون نخست وزیر سرپرست وزارت دفاع و امنیت دولت وابسته عمان با سفیر امریکاه و فرمانده ناوگان هفتم امریکاه و ملاقات ایندو با سرپرست وزارت امور خارجه عمان "سلطان قابوس بن سعید" با اعلام اینکه "عمان" تصمیم دارد "از حق کشتیرانی آزاد در این گذرگاه دفاع کننده" نقشی فعالی در مقابله با جنبش ضد امپریالیستی خلق های ایران به عهده گرفت.

به علاوه بختیار جنایتکار نیز از طرف امپریالیسم امریکاه به کشور عمان می رود و در آنجا با فتوای الهی سیستان و بلوچستان و سایر محافل ارتجاعی که از جانب پانده سیاه چمران مسلح می شوند، به مشاورت می پردازد و برای هماهنگی و سازماندهی فعالیت های ضد انقلابی سرمایه داران لیبرال، فتوای های مرتجع و محافل ضد انقلابی درون ارتش به تلاش می پردازد.

حکومت فاشیستی عراق کوشش می کند از مبارزه طبقاتی موجود در ایران به نفع مقاصد ارتجاعی خویش استفاده کند. ایندو دولت سرزمینه سرکوب خلق عرب توسط جمهوری اسلامی ایران و مجری سیاست های امپریالیسم، در پادار مدنی، استانداری خوزستان زمین داران و شیوخ مرتجع عرب را سازمان داده است و با استفاده از احساسات قومی خلق عرب خوزستان تمام کوشش خود را به کار می بندد تا مبارزات برحق آنان را در راه کسب حقوق ملی، در خدمت سیاست های ارتجاعی خویش در آورد. دولت عراق سعی دارد جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق عرب را از درون متلاشی سازد و به جنبش سرتاسری آسیب رساند و به این وسیله خدمت خود را به امپریالیسم امریکاه انجام رساند.

حکومت وابسته و ارتجاعی عربستان چون گذشته به نفع امپریالیست ها در اوپک و کنفرانس

کشورهای عربی علیه مبارزات ضد امپریالیستی منطقه فعالانه دست به کار شده است و به امپریالیسم امریکاه، از باب خودیاری نمی کند تا با تکیه بر غارت نفت عربستان و انبوه کند که از نفت ایران بی نیاز است. جمهوری اسلامی پاکستان، علی رغم برخورداری از "التفتاهای" جمهوری اسلامی ایران، به شکلهای مضحکی می کوشد در مقابله با رشد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران وظیفه حمایت و پاسداری از مافع ارباب خود، امپریالیسم امریکاه را به پیش راند. در تعقیب ... بقیه در صفحه ۹

مردم میهن ما تا قطع کامل سلطه امپریالیسم امریکاه به مبارزات خود ادامه خواهند داد

به دنبال تشکیل کمیته ای مرکب از عناصر چریکها و اطلاعات و ضد اطلاعات در ارتش تعدادی از پرسنل انقلابی ارتش تحت عنوان باصطلاح پاکسازی اخراج شدند.

تعدادی از پرسنل انقلابی ارتش

تحت عنوان باصطلاح پاکسازی اخراج شدند

معنی، بحث کننده اعضا، رهبران، فدائیان، عدم تازایی و جیبی و مبلغ آنها در یادگان، مخالف روحانیت، جیبی و ناشر عقاید کمونیستی، صدامام و روحانیت، صدام انقلاب و کمونیست، حامی دارای گرایش های ضد مردمی نوشته شده است. در عین حال برای لوث کردن مبارزات ترمیم و قاطعانه پرسنل انقلابی اخراجی در بین اسامی پرسنل مبارز گاه نام برخی از عوامل شناخته شده رژیم سابق نیز آورده شده است و البته چند تزار عوامل شناخته شده طبق سند مذکور فراموشی نشده است. اقدامات حیات آمیزی از سوی افعال چمران ها که می گویند ارتش را از وجود هر نیروی آگهی مبارزتهای سازد، امری طبیعی است. زیرا فقط در چنین مواردی است که رژیم بوقی خواهد شد. از ارتش در سرکوب مبارزات خلقی و دفاع از منافع سرمایه داری و اارتجاع استفاده کند. با اسرار هشدار داری است برای ارتش که با حقایق مبارزات خلقی در گریز خواهند ماند گذشته و سبب برای سرکوب خلقی در دست ارتجاع وابسته به امپریالیسم باشند و طیفها این دست از نظامیان است که با بسیج هر چه بیشتر نیروی خویش در جهت تحقیر شوراها و واقعی خود را ادامه این اقدامات ضد انقلابی خونگیزی نمایند.

در ارتش کمیته ای مرکب از ۵ تن از افسران به نام های سرهنگ فروزان، سرهنگ ایمانی، سرهنگ فوقانی، سر تیپ شیرازی و ستوان میران تشکیل گردیده است که پرسنل انقلابی را به وسیله انجمن اسلامی موجود در یادگان ها که عموماً لانه جدید عوامل و عناصر حناپنکار اطلاعات و ضد اطلاعات ارتش رژیم سابق شده است، مورد شناسایی قرار می دهند. این کمیته تحت عنوان به اصطلاح پاکسازی تاکنون تعداد زیادی از پرسنل انقلابی و مبارزان به ویژه از میان درجه داران اخراج کرده است. و این در شرایطی است که وابستگان به رژیم سابق و مزدوران امپریالیسم یکی پس از دیگری مجدداً پست ها و مقام های سابق خویش را در ارتش اشغال نموده و ارتقاء مقام نیز بافتنند. اولین اقدام چمران جلالت بعد از اشغال پست وزارت دفاع به دست آوردن تصویب نامه ای بود از هیئت وزیران مبنی بر اخراج جمعی ۳۶ درجه دار و ۱۴ کارمند نیروی هوایی به اتهام "انجام اعمال ضد انقلابی". در لیستی که ضمیمه این تصویب نامه است در مقابل اسامی بعضی از پرسنل نیروی هوایی که به عنوان اتهام کلماتی مانند جیبی، ضد انقلاب و مطرح مسائل آن، بی بهره، مخالف جمهوری اسلامی، ضد انقلاب به تمام

دوستان و دشمنان جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک ...

امپریالیستی - دموکراتیک به تلاش دوران ساز تازه ای دست زد مانند، بیش از یافته های ذهنی خود اهمیت یا ارزش قائل شود. بدون توجه به پیوند مبارزه ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق های ایران با جنبه جهانی پیکار علیه امپریالیسم امریکا، بدون درک این کفایتنا سونالیسم پرولتری واقعاً وجود دارد و مبارزه ضد امپریالیستی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران از پیشانیایی پرولتاریای سراسر جهان برخوردار است، قادر نخواهیم بود، در موضعگیری سیاسی، مشی درستی را اتخاذ کنیم. انترناسیونالیسم پرولتری به ما حکم می کند چنانکه موضوعگیری نادرست یا اخراجی از جانب دیگران مشاهده کردیم با صداقت و صراحت و قاطعیت به نقادی آن پردازیم، خطاهارا محکوم کنیم و در تصحیح خطا در جنبش جهانی موثر افتابیم. سمت گیری ما در رابطه با روند مبارزات ضد امپریالیستی که در میهن ما جریان دارد، به سمت گیری نیروهای ترقیخواه در عرصه جهانی هر چند یکسان نیست. و ما بر آن تاکید داریم - ناقص یک دیگر هم نیست. آن دسته از رفقای که مبارزه با

"جنبه خلقی برای آزادی فلسطین" در پیامی از طرف کمیته مرکزی جنبه اعلام کرد: "ما از مبارزات شجاعانه و قهرمانانه خلق های ایران علیه امپریالیسم با تمام نیرو و حمایت می کنیم. دبیرکل کنگره ملی، آفریقا "الفردترو" در پیام خود از همبستگی با مبارزات مردم ما سخن گفت.

علاوه بر آنچه که گفتیم ۱۶ جنبش ضد امپریالیستی از جمله "سازمان جنبش غربی آفریقا در نامیبیا"، "اتحاد خلق آفریقای

درخواست امریکا از دولت استرالیا مبنی بر تحریم اقتصادی ایران، وزارت خارجه این کشور کوشش می کند که جنبه جدیدی از کشورهای وابسته جنوب آسیا علیه ایران تشکیل دهد. چنین سیاستی در امریکای لاتین نیز اتخاذ گردیده است. مکزیک و اخیراً پاناما، از هیچ گونه مساعدتی در حق امپریالیسم امریکا و بهره سوخته و ساقط شده آن، "شاه" دریغ نورزیدند.

دوستان در عرصه جهانی به دفاع از خلق های ما بر می خیزند! نیروهای ترقی خواه جهان و

بدون توجه به پیوند مبارزه ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق های ایران با جنبه جهانی پیکار علیه امپریالیسم امریکا، بدون درک این که انترناسیونالیسم پرولتری وجود دارد و مبارزه ضد امپریالیستی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران از پیشانیایی پرولتاریای سراسر جهان برخوردار است، قادر نخواهیم بود در موضع گیری سیاسی، مشی درستی را اتخاذ کنیم.

زامیا"، "جنبه خلقی برای آزادی آریتره"، "مقاومت شیلی" جنبه آزاد بیخش جاد "حمایت خود را از ایران اعلام داشتند. "مانورهای نظامی تاوگان های جنگی امریکاکه با کمک تاوگان های جنگی انگلستان و هواپیماهای استرالیا، در نزدیکی آب های ایران صورت می گیرد هرگز مبارزین و مجاهدین را، چه در داخل و چه در بلاد و کشورهای ماکه به خاطر استقلال و آزادی و تعیین سرنوشت خود می جنگند نمی ترساند.

دوستان داران جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلق های ما پایه پای رشد مبارزه ضد امپریالیستی حمایت خود را از مبارزات مردم میهن ما گسترده تر ساختند. دولت و مردم کوبا حمایت و پشتیبانی خود را اعلام کردند و از تسخیر سفارت امریکا در ایران ابراز شادمانی نمودند. و پیتام قهرمان با اعلام کرد: "در مبارزه کنونی علیه امریکا دولت و مردم و پیتام در کنار مردم ایران هستند و از مبارزه بر حق مردم ایران علیه امریکا بطور همه جانبه حمایت می کنند. مردم و پیتام که خود پیشگام مبارزات ضد امریکایی در جهان بوده اند، به خوبی با همبستگی مبارزه واقف هستند و مطمئن دارند که مردم ایران همچون مردم و پیتام قطعاً در این مبارزه پیروز خواهند شد.

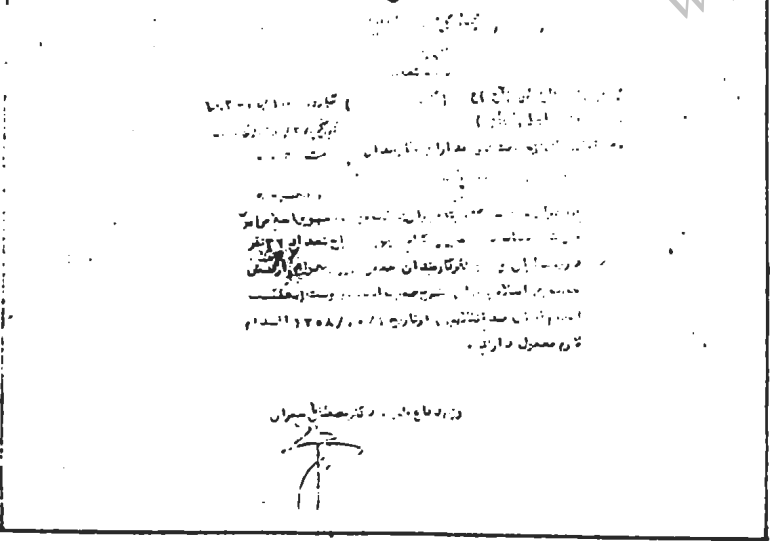
گسترش حمایت جهانی از مبارزات حق طلبانه خلق های میهن ما، به همان اندازه که برای کمونیست های ایران آموزش های بزرگ انترناسیونالیستی را به همراه دارد، برای خرد بورژوازی و رهبری آن آیت الله خمینی نیز درس ها و تجربه های ارزشمندی می تواند باشد. درس هایی که توهماتسی از قبیل فرستادن دسته های گیل برای "دستن" فرانسوی و تبلیغ این که امپریالیسم زاین دوست ماست، را در هم فرو می ریزد. به دنبال تسخیر سفارت امریکا، هم در میهن ما و هم در عرصه جهانی راه برای تشخیص صحیح تر دوستان و دشمنان مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک توده های قیام کننده هموارتر شده است. توجه به این حقایق به ما کمک می کند که سیاست های امپریالیستی را از سیاست های مردمی تمیز دهیم. جنبش نوین کمونیستی ایران که بسیار نوپاست، سمت گیری جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و سمت گیری جنبش های رهائی بخش و ضد امپریالیستی سایر خلق های تحت سلطه جهان را باید مورد توجه قرار دهد و با تکیه بر روندهای عینی درون جامعه و درک صحیح از مبارزه طبقاتی در جامعه ما، برای مبارزه طبقه کارگر ایران، برای مبارزه میلیون ها مردمی که در عرصه مبارزه ضد

اتحاد جماهیر شوروی در باره مبارزات اخیر در ۶ آذر اعلام داشت که از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران پشتیبانی می کند. جمهوری دموکراتیک خلق کره به وسیله "هردام" وزیر خارجه خود در پیامی اعلام کرد: "ما از شما در برابر تهدید نظامی و اعمال سیاست محاصره اقتصادی توسط امپریالیسم امریکا کاملاً حمایت می کنیم. عبدالفتاح اسماعیل رئیس کشور جمهوری دموکراتیک خلق یمن حمایت مردم و دولت خود را از مبارزه مردم ما برای "استرداد شاه مخلوع به خاطر جنایاتی که مرتکب شده و باز پس گرفتن سرمایه هایی که از ایران دزدیده است و متعلق به مردم ایران است" اعلام داشت. "مزالدین میروک" وزیر نفت لیبی در پشتیبانی کامل از مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما، بلوکه کردن سپرده های ارزی ایران در امریکا را اقدام راهزنانه خواند. دکتر "جرج حبش" دبیرکل

به دنبال تسخیر سفارت امریکا، هم در میهن ما و هم در عرصه جهانی راه برای تشخیص صحیح تر دوستان و دشمنان مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک توده های قیام کننده هموارتر شده است.

"ارتجاع حاکم" را، مبارزه با روحانیت را، وظیفه عمده کمونیست های پندارند، طبیعتاً موظفند از همه نهضت های رهائی بخش خلق ها و تمام بلوک بندی های جنبش جهانی کمونیستی و کارگری، به علیت پشتیبانی شان از آن چه که ما را دشمن عمده می دانند مشخصاً انتقاد کنند. دوستانی که مبارزه با ارتجاع را عمده می شمارند تنها در درون جنبش خلق هرگز متحدی برای خود نخواهند یافت (البته در خارج از این جنبش لیبرال هادست یاری به سویشان گشوده اند). بلکه در سطح جهانی نیز به همان انزوائی کشیده می شوند که در سطح جنبش بلوک تاریخی - طبقاتی خلق به آن مبتلا هستند.

همه این حقایق نشان می دهد که مبارزه ضد امپریالیستی و رهائی بخش خلق ما، همین مبارزه ای که بطور عینی در حال گسترش است، جزئی از پیکار جهانی خلق های سراسر جهان علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا است. پیکاری است که نیروی محرکه آن طبقه کارگر همه کشورها و مدافعان آرمان پرولتاریا در سراسر جهان یعنی جنبش جهانی کارگری کمونیستی است.



ردیف	نام	مقام	تاریخ
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰

پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

نفتگران مبارز می گویند:

مبارزه با امپریالیسم یعنی افشاء و لغو قراردادهای...

انقلابی در صنعت عظیم نفت از مهره‌های سرسیرده امپریالیسم امریکا و... واقف هستند. اما در ده ماه گذشته دولت سدره نیروی لایزال صدامیریالیستی خلق های قهرمان ایران و به ویژه نفتگران شده بود. حواست مکرر نفتگران در خصوص افشای قراردادهای و مذاکراتی که با نامبندگان انحصارات نفتی صورت می گیرد تاکنون بی جواب مانده است. با روش شدن چنین مسائلی است که از یک طرف نقش امپریالیسم و جنبه های مهم حضور آن در سپهران روشن می شود و از طرف دیگر خواهیم توانست با سلاح

از دست آنها پس گرفته شد. درست در هفته های اول انتصاب معین فر بود که مذاکره با هیئت نمایندگی کنسرسیوم بین المللی نفت - که البته از قبل در زمان نزیه تدارک دیده شده بود - شروع شد. لکن با گذشت مدت زمان قابل توجهی از آن تاریخ هنوز از وزیر جدید نفت و عضو شورای انقلاب در خصوص نتیجه آن مذاکرات و بلااقتل مبلغ و نوع مطالبات کشورمان از کنسرسیوم بین المللی نفتخواهر چیزی نشنیده ایم. لایبد شورای انقلاب و وزیر نفت منتظر لشکرکشی امپریالیسم به ایران هستند. تا در مقابل آنها و تنها برای جلب حمایت

مبارزه ضد امپریالیستی تنها به حمایت و پشتیبانی از دانشجویان مستقر در سفارت امریکا محدود نمی شود و نباید بشود. بلکه باید بر تمام جنبه های حضور امپریالیسم (اقتصادی - سیاسی - نظامی و فرهنگی) یورش برد. یکی از طرق شناساندن امپریالیسم، افشاء قراردادهای رنگارنگ استعماری است. حفظ قراردادهای استعمارگرانه و پامسکوت گذاردن آنها قرار گرفتن در کنار امپریالیسم است و فریادهای ضد امپریالیستی به هیچ وجه نمی تواند مانع آن شود. شورای انقلاب و وزیر نفت انتصابی آنها می بائستی در پیشگاه توده های زحمتکش ایران در مورد مسائل زیر پاشخ روشن و صریح بدهند:

حالی که طرف مقابل که صاحب و خرج کننده اصلی است، جرئت وصول پول راندارد. اگر به مبلغ فوق رقم ۴۸۹ میلیون دلار طلب شرکت ملی نفت ایران بابت نفت خام فروخته شده به اسرائیل را تا قبل از سرنگونی رژیم گذشته اضافه کنیم میزان مطالبات مشکوک - الوصول ما بسیار بیشتر خواهد بود. ۳ - در گذشته پارامای مذاکرات به صورت شفاهی صورت می گرفت و فقط عده معدودی از آن مطلع بودند. نفتگران می پرسند چگونه است که عناصر سرسیرده امپریالیسم امریکادرم مدیریت شرکت نفت مانند نابخ و عظیمی و فخمی و... این حق را در گذشته و حال داند که از زیر بوم این قراردادها مطلع باشند و ولی نفتگران قهرمان از این حق محروم گردند. چه کسانی این حق را برای این مهره های امپریالیسم محفوظ داشته اند و حق مسلم توده های میلیونی و نفتگران قهرمان را در مورد محتوای این قراردادها از آنها سلب نمودند؟

معلوم نیست که چرا روابط ننگین گذشته از این دست که اشاره شد افشاء نمی شود در حالی که همکاران کنونی آقای معین فر مانند عظیمی (سرپرست امور بین المللی نفت) می توانند پاسخگوی خیلی از مسائل افشاء شده مذاکرات چند سال گذشته باشند. این مهره های امپریالیسم بودند که قراردادهای فروش نفت و سرمایه گذاری های مشترک در اسرائیل و آفریقای جنوبی را در کنار قراردادهای مشترک امنیتی و کنگ های نظامی قرارداد داده که به دلیل اهمیت جهانی آن برای

یافته ولی هنوز شرکت های طرف قرارداد به صورت مدعی باقی هستند. لایبد به آن شرکت ها هم درگیر دار مبارزه ضد امپریالیستی کنونی باید مبلغی پرداخت شود تا دست از سرمایه بردارند؟... مشابه این قراردادها باز هم قرارداد دیگری با حضور "بریتیش پترلیوم" برای اکتشاف و استخراج در دریای شمال داریم که تاکنون مبلغ ۹۱۶۴۰۰۰۰ لیره استرلینگ معادل یک میلیارد و دو سیست و هفتاد و شش میلیون ریال (۲۲۷۶۰۰۰۰۰۰ ریال) سهم هزینه های مختلف پروژه پرداخت کرده ایم که در دریای شمال (حوزه مالکیت انگلستان) به نفت برسیم.

تا مین ۵۰ درصد هزینه های سنگین اکتشاف نفت در دریای شمال برای کمک به انگلستان در سرمایه گذاری های نفتی. شرکت بریتیش پترلیوم آن سهم ناچیزی را هم که از نفت عاید می کرد در بدین شکل به بیغامی برد. چرا تاکنون در مقابل درخواست نفتگران برای افشای این قراردادها سکوت اختیار شده است و چرا تاکنون این قراردادها افشاء نشده است. نکند باز هم بآن گه روی دریای نفت خواهیم دید که برای امپریالیسم هیچ راهی انگلیس همچنان به جستجوی نفت ادامه دهیم و آن وقت بعد از گذشت چند سال و با صرف هزینه های چند برابر آنچه در فوق ارائه شد چیزی عایدمان نشود. دیگر پروژه های خارج از کشور پالایشگاه مدرس با ۱۲ درصد سرمایه معادل ۱۶۷۲۳۷۰۰۰۰۰۰ یورو به

خلق قهرمان ما و به ویژه کارگران و زحمتکش نشان دادند که مبارزه ضد امپریالیستی تنها به حمایت و پشتیبانی از دانشجویان مستقر در سفارت امریکا محدود نمی شود و نباید بشود. بلکه باید بر تمام جنبه های حضور امپریالیسم (اقتصادی - سیاسی - نظامی و فرهنگی) یورش برد.

توده های دست به افشای قراردادهای موارد اختلاف، نتیجه مذاکرات و موارد حاکم بر روابط فعلی بزنند، ناگفته نماند که تمامی شرکت های نفتی عضو کنسرسیوم بین المللی نفت بعد از قیام نیز بظهور جداگانه وطنی قراردادهای مشخص و جدا در خرید نفت از ایران موفق بودند. حتی در روزهای اول تسخیر مرکز جاسوسی امریکا که میزان صادرات نفت خام ایران کاهش قابل ملاحظه ای داشت، دو شرکت نفتی بریتیش پترلیوم و "شل" خریداران عمده نفت خام ایران و از سها مداران اصلی کنسرسیوم بین المللی نفت بودند. به علاوه سایر شرکت های نفتی امپریالیستی که از اعضا کنسرسیوم بین المللی نفت بودند، بعد از قیام با برهم خوردن قرارداد کنسرسیوم و سهمیه بندی قراردادی بازم جزو خریداران عمده نفت خام ایران باقی ماندند. این که چرا این شرکت ها بدون پرداخت بدهی های خود نفت خام از ایران دریافت داشته اند و تحویل نفت خام به آنها مشروط به حصول توافق بر ساختن اختلاف قبلی با آنها نشده است و این که چرا بدون دریافت مطالبات قطعی قبلی بازم به آن شرکت ها نفت فروخته شده است و وصول این مطالبات به مذاکره و چانه زدن انجامیده است خود از جمله مسائلی هستند که ماهیت هیئت حاکمه فعلی را در توجه به خواست های توده ها نشان می دهد. مردم میهن ما به چه صورت و برای چه بر سر ثروتشان چانه می زنند؟ دولت موقت و نزیه در مدتی که قدرت را در دست داشتند، به این سئوالا پاسخ می دادند و شورای انقلاب هم که تمام اختیارات را در شرایط کنونی در دست دارد و یکی از اعضا خود را در مقام مدیریت شرکت نفت گذارده است تاکنون بدین برستی نهائی نداده است.

آگاهی به پیشواز اجرای طرح های دیگری برای استفاده بهتر و بیشتر از منابع طبیعی کشور به پیش برویم. توجه به نقش شورای انقلاب و نمایندگان تام الاختیار آن (معین فر) در وزارت نفت و موع گیری آنها در برابری قراردادهای غارتگرانه کنسرسیوم بین المللی نفت می تواند بیانگر اد نای فوق باشد. نزیه ضمن مصاحبه ها و مکاتبات متعدد (چه قبل و چه بعد از برکناری) به کرات به موضوع مذاکرات قریب الوقوع و حسل دعاوی با کنسرسیوم اشاره کرده بود. او با بیکری خود در این خصوص این ذهنیت را به وجود آورده بود که گوایدار مصاف با امپریالیست ها این لیبرال ها هستند که بیکر تر ندند چانشینان نالایق خرده بورژوازی که بر مصدر ریاست وزارت تکیه زده اند. البته نفتگران قهرمان خود خوب می دانند که حسن نزیه به خاطر پایگاه طبقاتی خود اصولا نمی توانست اقدامی علیه امپریالیست ها بنماید.

نزیه مدعی آن بود که در آستانه مذاکره با کنسرسیوم نفت برای حل اختلاف می مایینو حصول طلب چندین میلیون دلار از شرکت های نفتی از کار برکنار شده است و سکوت شورای انقلاب و وزیر نفت در این خصوص این ذهنیت را تقویت کرده است. حقیقت آن است که مسئله برکناری نزیه را باید در رابطه با احوال لیبرال ها (که تلاش داشتند بر جمع که ناهرگ حیاتی اقتصاد ایران است جنگ بیندازند) و جناح خرده بورژوازی هیئت حاکمه فعلی (که تلاش داشت با برکناری لیبرال ها از مصدر قدرت مواضع خود را مستحکم سازد) تبیین نمود. موضع گیری های ناررگان در جهت حمایت و تقویت و تثبیت نزیه بر همگان روشن است. این خواست ناررگان و تلاش او سواست موضعب لبران ها در حاکمیت حفظ نماد و به تدریج محرم های قدرتی با حادی

۱ - توده های زحمتکش ایران می پرسند، با توجه به حضور کنسرسیوم نفت به عنوان قدرت بزرگ انحصارگر نفتی در کشورمان، توضیح داده شود علت جو حسنه حاکم بر روابط این شرکت ها با دولت ایران بعد از قیام چه بوده است؟ شکل این روابط و محتوای قراردادهای حاکم بر این روابط بعد از قیام به چه صورت است؟ اگر دولت ایران طلبی از گذشته دارد (که حتما دارد) اقداماتی که تاکنون برای وصول این مطالبات شده چه بوده است و در آینده به چه صورت خواهد بود؟ چه کسانی تاکنون در مذاکرات بعد از قیام شرکت داشته اند و مناسباتشان با انحصارات نفتی، رژیم گذشته و در مذاکرات گذشته چگونه بوده است؟ آیا قصد این است که شورای انقلاب و وزیر تازه نفت هم در تائید سیاست

توده های تحت ستم ایران از شورای انقلاب و وزیران آن سؤال می کنند مگر آلمان غربی نزدیک ترین متحد امپریالیسم امریکان نیست؟ مگر دول امپریالیستی منافشان از طریق شرکت های چندملیتی بهم گرم نخورده است؟ حضور نظامی امریکا در آلمان غربی به عنوان پایگاه اصلی امپریالیسم امریکا در اروپای غربی بهترین گواه اتحاد منفور دول امپریالیستی می باشد. آیا با ذخیره کردن درآمدهای نفتی در آلمان غربی در واقع دوباره گلوی خود را به دست امپریالیسم امریکانی دهیم؟ حتما چنین است.

هند - کودشیمائی مدرس با ۲۴/۵ درصد سرمایه معادل ۳۳۵۰۰۰۰۰ یورو به هند هستند که در هر دوی این مشارکت ها ایران با دولت هند و ستان و شرکت امریکائی "اموکو" (AMOCO) شریک است. تضمینات دولت بورژوازی هندوستان باعث شده است که سود قابل انتظاری از دو سرمایه گذاری فوق به ایران نرسد. و با تهیه لیست مخارج گسزاف و بیبهره در پایان سال مالی همواره این سرمایه ها سود بسیار محدود داده اند (البته فقط در مورد سهام شرکت ملی نفت ایران چنین اتفاقاتی رخ می دهد) با توجه به این که مواد اولیه یعنی نفت خام پالایشگاه و واحد پتروشیمی مدرس از حوزه های نفتی ایران با بهای نازل تهیه می شود و با توجه به نیروی انسانی بسیار ارزانی که در هند و ستان وجود دارد و با توجه به این که نرخ سود فرآورده های نفتی در

رژیم گذشته همواره محرمانه نگاه داشته می شد سعی داشتند که توافق های انجام شده در چنین مذاکراتی بر روی کاغذ منعکس نشود. ۴ - توده های تحت ستم ایران می پرسند: رژیم خائن گذشته علاوه بر پذیرفتن انحصارات امپریالیستی در کشورمان، خود نیز از طریق شرکت ملی نفت ایران زیر کلام فریبنده سرمایه گذاری خارجی، قسمتی از مخارج امپریالیست ها را در کشورهایشان متحمل می شد. یعنی قسمتی از پول نفت دریافتی از همان شرکت های خریدار نفت با تحت عنوان مشارکت برای اکتشاف و تولید نفت به جیب خودشان بازمی گشت مثل پروژه اکتشاف نفت در کرنلند که با مشارکت سه شرکت ساگا - بریتیش پترلیوم و شومرون (امریکائی) که پس از تحمیل هزینه های معادل ۴۹۵۳۰۰۰ دلار اقدام به فسخ آن شد که فعلا با پرداخت مبلغ ۸۷۷۰۰۰ دلار کار فسخ قراردادها برگرداند میهن

نفتی دولت بازرگان و حسن نزیه گام بردارند؟ ۲ - توده های زحمتکش ایران می پرسند، رژیم گذشته علاوه بر فروش نفت خام به اسرائیل از طریق واسطه قراردادن شرکت های ثبت شده سوئیسی مثل "پول" (POOL) و "فریگیت" (FREEGATE) سرمایه گذاری مشترکی را با دولت اسرائیل برای طرح های مشترک نفتی در خاک اسرائیل "آن هم از طریق واسطه قراردادن شرکت های فرضی" سوئیسی، شروع کرده بود و شرکت ملی نفت ایران نیز از این بابت ضامن باز پرداخت وامی برای همین طرح شده است که مانده کنونی آن مبلغ حدود دو میلیارد و هفتصد میلیون ریال (۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال) است. و به نظر می رسد بعد از سرنگونی شاه خائن، شرکت ملی نفت ایران با توجه به روابط حسنه با بانک های غربی خود را محصور به پرداخت مانده وام می بسید. در

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش



مبارزه با امپریالیسم یعنی

افشاء و لغو قرارداد های ...

بقیه از صفحه ۱۰

هندوستان بسیار بالا است دولت بورژوازی هندوستان با مقررات مالیاتی تازه و با اکتفا به سهم عمده خود در این مشارکت همه ساله سودهای کلان به دست آمده راد هندوستان نگه می دارد. حال این سوال مطرح می گردد که ضرورت تحمل این مخارج برای چیست. مگر نه این است که هندوستان به نفت ما نیازمند است؟ ولی ما چه نیازی به داشتن سهمی از سرمایه پالایشگاه و پتروشیمی در مدرس داریم؟ اگر قرارداد های ایجاد پالایشگاه در کره جنوبی (وابسته به سرمایه های امریکائی) و سنگال (زیربوغ استعمار فرانسه) در نظر گرفته شود، ملاحظه می شود که امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم امریکای واسطه قرارداد دادن کشورهای تحت سلطه نیز منابع ما را غارت می کنند. قرارداد نفت با مشارکت در پالایشگاه آفریقای جنوبی و تانزانیا ۳۶۷۵۰۰ دلار هزینه های سرمایه های آنها در گذشته، همکاری و همدستی رژیم شاه خائن را با منظور ترین رژیم های نژادپرست دنیا نشان می دهد. در مرحله کنونی نیز بسیاری از مردم میهن ما نمی دانند مادر آنجا چقدر با ما و اکنون با سرمایه های خلق خود چکار کردیم؟ اگر تحویل نفت به آفریقای جنوبی را که طبق قرارداد باید به آنها تحویل می دادیم قطع کرده این سرمایه های متعلق به مردم خود را چرا خارج نمودیم؟ مسئولان عقیدین قراردادها هنوز هم با همین فر همکاری دارند (سرپرست کنونی بخش و فروش داخلی قباد فخمی یکی از آن عناصر است). بنابراین پاسخگویان اصلی برای افشای قرارداد های مربوط به سرمایه گذاری های خارج از کشور هنوز در ایران هستند اما آقای همین فر! شما بنابه ماهیت خود هرگز نمی خواهید به جای رودررویی با کفتگران بر سر مسائل صنفی و کتک به برهم ریختن شوراهای منتخب آنها و از طریق پیاده ابدن به حضور انجمن های رنگارنگ طرفدار خویشتن، ضربه بر امپریالیسم را از افشای قرارداد های نفتی و فسق یک به یک آنها و آگاه کردن مردم از تصمیماتی که از بعد از قیام نسبت به آنها اتخاذ شده است آغاز کنید و پاسخگوی خواست توده های به باخاسته باشید. به چه علت حمربان مذاکرات هیئت ما مور مذاکره با طرف های دوم قرارداد های شرکت نفت ایران با امریکین (ایپاک) - شرکت نفت ایران و ایپاک (سیرپ) شرکت نفت سین المللی در بائی ایران (ایمنیکو) و شرکت نفت لاوان (لاکو) با اطلاع مردم نمی رسد چرا گفته می شود که اعضا هیئت چه کسانی هستند و خدمتات گذشته شان به امپریالیسم امریکای

رژیم منحط گذشته چگونه بوده است؟ تا آنجا که چهره ها معرفی می کنند آنان همان کسانی هستند که در گذشته سال ها وظیفه چاکر ما بانه خود در مورد امضا و اعطای امتیازات به خارجیان را در دستگانه نفت به عهده داشتند. هنوز سایه مینا و محمد علی باغ از طریق پاران قدیمی و مهره های کنونی که به شکل شبکه های در تار و پود دستگانه عظیم نفت تنیده شده است حکمفرما است. در این شرکت خلیجی ها و مرجانی ها و سعیدی ها و دیگران همچون کارچاق کن های قراردادهای استعماری می باشند. باید به توده ها پاسخ داده شود که اکنون مذاکره بر سر چیست؟ مگر نه این است که رژیم در درخواست های ایران که در مذاکرات با طرف های مشارکت مطرح می شود باید قبل از هرگونه چانه زدن و توافق بر سر چند و چون آنها به اطلاع مردم برسد؟ اگر ذخائر نفتی متعلق به مردم ایران است، پس صلاحیت دانستن محتوای قراردادها را دارد. آخرین دستوری که در زمان ریاست حسن نریزه به هیئت داده شده بود برای اساس استوار بود که شرکت ملی نفت با طرف های قرارداد بر سر این نکات به توافق برسد که حضورشان به صورت مالک ۵۰ درصد سرمایه گذاری مطرح نباشد. ولی نفت مورد نیازشان را با قیمت های قراردادی تحویل بگیرند و خدمات کارشناسان خود را به ما بفروشند. حال که مبارزه ضد امپریالیسم وارد مرحله تازه ای شده است و دو سوم این شرکت ها امریکائی هستند، آیا هنوز مذاکره ای در جریان هست و یا شرکت ملی نفت و شورای انقلاب هنوز بر روی مواضع گذشته که اختلاف فاحش با انتظارات قیام و خواست های مردم ایران است قرارداد دارند؟ شرکت های خارجی طرف مشارکت طبق اطلاعات موجود مبالغی بابت نفت خام های برداشتی در سنوات قبل (قبل از قیام مردم ایران) بدهکارند که تاکنون اقدام به واریز آن نکرده اند. آنها به ترتیب:

شرکت امریکائی طرف قرارداد با مادر شرکت نفت ایران پان امریکین ۱۶۰ میلیون دلار چهار شرکت امریکائی طرف قرارداد با مادر شرکت نفت ایران ۶۰ میلیون دلار سه شرکت امریکائی - ایتالیائی هندی طرف قرارداد با ما در ایمنیکو ۲۶ میلیون دلار جمعا ۲۵۶ میلیون دلار به دولت ایران بدهکارند. آیا هنوز به دنبال محمل برای ضبط اموال شرکت های امریکائی و فسق قرارداد های اسارت با مردم گردید؟ طبق تصمیم شورای انقلاب و اعلام وزیر جدید نفت قرار است که سهام نفت خام فروخته شده به مارک آلمان غربی جایگزین دلار گردد و در حساب های افتتاح شده در کشور آلمان غربی وصول گردد.

عقب نشینی شورای انقلاب

درباره اتحاد و پایداری نفتگران

چند ماه قبل دولت اعلام کرد ساعات کار کارگران سراسر ایران بایستی ۴۸ ساعت در هفته باشد. نفتگران مبارز که در شرایط سخت دیکتاتوری شاه مخلوع ۴۰ ساعت کار در هفته را به عنوان حق مسلم خود به دست آوردند، این امر به راضدیت آشکار با دستاوردهای مبارزات خود دانستند. شوراهای کارکنان نفت و پتروشیمی و گاز در تهران به دولت موقت اخطار کردند که در صورت عدم لغو این فرمان برای تقلیل ساعات کار در هفته

شده خود می شوند. اما چون از طرف مسئولین استانداری اعتراضی به خواست های شان نمی شود، اقدام به راهپیمائی نموده و به طعنه دادستانی انقلاب واقع در منازل سازمانی حرکت می کنند. آنها در طول راهپیمائی شعار می دادند: "شورا، شورا، پیروز است..."

چند ماه قبل دولت اعلام کرد ساعات کار کارگران سراسر ایران بایستی ۴۸ ساعت در هفته باشد. نفتگران مبارز که در شرایط سخت دیکتاتوری شاه مخلوع ۴۰ ساعت کار در هفته را به عنوان حق مسلم خود به دست آوردند، این امر به راضدیت آشکار با دستاوردهای مبارزات خود دانستند. شوراهای کارکنان نفت و پتروشیمی و گاز در تهران به دولت موقت اخطار کردند که در صورت عدم لغو این فرمان برای تقلیل ساعات کار در هفته

اهواز:

پس از دستگیری ۲۰ نفر از نمایندگان شورای کارخانه نورد اهواز که برای مذاکره به تهران رفته بودند، روز پنجشنبه ۱۵ آذرماه ۵۸ کارگران و کارمندان این کارخانه جلوی استانداری جمع شده و خواهان آزادی نمایندگان دستگیر

تظاهرات ضد امپریالیستی

کارگران کوره یخخانه های آذربایجان شرقی

روزیکشنبه ۴ آذر ۵۸ کارگران کوره یخخانه های آذربایجان شرقی و کارگران قالببافی زهره دست به راهپیمائی عظیم علیه امپریالیسم امریکازند. کارگران در حالی که شعارهایی علیه امپریالیسم امریکا، سرمایه داران وابسته و در جهت افشای توطئه های آنها در کارخانه ها و شوراهای کارگری می دادند از باغ گلستان تبریز به طرف کنسولگری حرکت کردند. کارگران در مقابل کنسولگری سابق امریکا قطعنامه راهپیمائی را قرائت کرده

و طی آن گفتند امریکادر ۲۵ سال حاکمیت رژیم منفور پهلوی تمام منابع میهنان را به غارت برده است. ولی اکنون زمان نابودی و قطع هرگونه سلطه اقتصادی آن بر میهنان می باشد. کارگران کوره یخخانه ها در قسمتی از قطعنامه خود هرگونه سازشکاری در برابر تهدید نظامی و محاصره اقتصادی امپریالیسم را محکوم کردند و خواستار خلع یزد از سرمایه داران وابسته و ملی کردن فوری صنایع داخلی وابسته به کشورهای امپریالیستی شدند.

پیروزی کارگران کارخانه آجر ماشینی قم

کارخانه آجر ماشینی در نزدیکی قم، در جاده قم - کاشان واقع شده است. حدود دو ماه پیش کارگران این کارخانه تصمیم می گیرند که شورائی را تشکیل دهند تا بتوانند از طریق آن به حقوق عقب افتاده و دیگر خواست های شان برسند. بر امور کارخانه نیز نظارت داشته باشند. برای این کار از بین خودشان چند نفر را که مورد اعتماد تمام کارگران می باشند به عنوان نماینده انتخاب می کنند. نمایندگان خواست های کارگران را با کارفرما در میان می گذارند. ولی کارفرما خواست های کارگران را رد می کند. نمایندگان شورا با پشتیبانی تمام کارگران تصمیم می گیرند تا در مقابل کارفرما سرخخانه بایستند و از خواست های حرق کارگران دفاع کنند. در این رابطه به کارفرما هشدار می دهند که اگر به خواست های شان رسیدگی نشود اعتصاب کرده و کارخانه را تعطیل می کنند. کارفرما برای مقابله با کارگران و اخراج نمایندگان آنها کمیته موسس می شود. کارگران از اس عمل کارفرما به این مسئله پی می برند که محاطر نصیب

یک فرد مورد اعتماد اقدام به ثبت شرکتی می نماید که عمده فعالیت در زمینه وظایف خود طبق اساسنامه انجام نمی دهد. فقط قراردادها به اسم آن شرکت منعقد می گردد. در مورد فوق یک طرف قرارداد ایران و طرف دیگر اسرائیل بودند آن شرکت واسطه. در دوران مبارزات ملی شدن نفت توسط دکتر محمد مصدق شرکت نفت انگلیسی بی بی (بریتیش پترولیوم) پیشنهاد عقد قرارداد ۵۱٪ ایران و ۴۹٪ انگلیس را ارائه کرد. آن هم برای حوزه جنوب که مورد قبول مصدق واقع نشد. در حالی که بعد از گذشت سال ها مردم ایران هنوز زیر فشار قراردادهای اسارت بار ۵۰-۵۵ قرارداد دارند. بر اساس قراردادهای ۵۰-۵۵ شرکت خارجی طرف قرارداد با آن که کلیه پول های پرداختی برای اکتشاف و توسعه را پس می گیرد، بهدا مالک ۵۰ درصد نفت خام تولید شده نیز می باشد که با اختیار خود و با قیمت های دلخواه به بازارهای دلخواه (اسرائیل - آفریقای جنوبی - رودزییا) عرضه می کند چون خود را مالک ۵۰ درصد تولید نفت می داند در موقع پرداخت مالیات به دولت ایران قیمت های فرضی اعلان شده را که به مراتب کمتر از قیمت اصلی معامله بوده مورد محاسبه قرارداد و مالیات را این چنین پرداخت می نماید.

کار مسکن آزادی

آغاز محاکمات انقلابی در نیکاراگوئه

دولت انقلابی نیکاراگوئه به دوازده دادگامین کشور دستور داد حدود هفت هزار پانصد زندانی از وابستگان رژیم قبلی را محاکمه کنند این محاکمات هستند که در زمان دیکتاتوری "اناستازیا سوموزا" از حمایت می کردند و برای حفظ رژیم سوموزا انقلابیون می جنگیدند. افراد گارد ملی سوموزا که در گذشته به شکوه قتل مبارزان دست می زدند، نیز در بین این زندانیان هستند. شورای انقلاب نیکاراگوئه دستور داد که در ۲۶ سالگی از جنبه چریکی ساندینیست رایه عنوان دادستان اصلی این محاکمات انتخاب کرده

است. این دختر در سال گذشته ترتیب عملیات کشتن رئیس ستاد ارتش سوموزا را داده بود. دولت انقلابی نیکاراگوئه دستور داده حقوقدانان این کشور و کالت زندانیان رایه عهده گیرند.



بمروز سه شنبه هفدهم نوامبر گروهی از هواداران سازمان در "پاریس" به هواداری از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران دست به تظاهرات زدند و با شعارهای "مرگ بر امپریالیسم آمریکا"، "زنده باد مبارزات ضد امپریالیستی خلق ایران"، "زنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" جلوی سفارت آمریکا در "پاریس" پرچم آمریکا را به آتش کشیدند.

فستی از پیام دانشجویان پیشگام عضو کنفدراسیون محصلین و دانشجویان پیشگام (در خارج از کشور) به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

رفقای فدائی
اسال ۱۶ آذر "روز دانشجویان" جنبش دانشجویی میهنان آرزوی انقلابی بزرگی را در همدوشی و هدایت رزم مشترک زحمتکشان میهن باز یافتند و می رود تا زندگی نوین را در قالب ایرانی آزاد و دموکراتیک تحقق بخشد. این پیوند دوران ساز که بدون شک هدایت آن سازمان در تحققش نقش ارزنده ای ایفا نموده است، ما دانشجویان پیشگام خارج از کشور را به آن می دارد که ضمن برخورداری خاطر دانشجویان شهید، مقام و نفس آن سازمان رزمنده بیشتر از ادرست گیری و ارتقا کیفیت جنبش دانشجویی آرج نسیم.

امسال هم شانزدهم آذر برای ما دانشجویان مانند سالهای دیگر - روز تجدید عهد با پیشگامان شهیدی است که در راه تحقق آرمان های انقلابی طبقه کارگر و زحمتکشان در مقابل ارتجاع و امپریالیسم ایستادند و پرچم سرخ رهائی ستکشان را تا اوایلین دم زندگانیشان برافراشته نگاه داشتند ما دانشجویان پیشگام خارج از کشور بادرک ضرورت های کنونی

کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی پیشگام (در خارج از کشور)
فرانکفورت - آذر ۱۳۵۸

کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی پیشگام (در خارج از کشور) فرانکفورت - آذر ۱۳۵۸

کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی پیشگام (در خارج از کشور) فرانکفورت - آذر ۱۳۵۸

وزارت کشاورزی حامی زمینداران بزرگ و سرمایه داران وابسته است

این سازمان به تدریج بسیاری از سنت های کشاورزی دشت قزوین را زیر نظر گرفت و عملاً کشاورزی این منطقه را مابین کشاورزی برای غارت هر چه بیشتر کشاورزان و زحمتکشان قزوینی شد. سازمان عمران قزوین با گسترش مناطق زیر کشت خود و با به کار گرفتن صدها کارگر و کارمند و متخصصین به شرفته ترین ماشین آلات کشاورزی به یکی از بزرگترین موسسات بردارند این ناحیه تبدیل شد. یکی از طرح های این سازمان در منطقه ایجاد باغ منبوه بود که حدود ۲۰۰۰ هکتار از زمین های آذر ۵۴ روستای خود اختصاص داد. این باغ ها عمدتاً در زمین کشاورزان احداث شده بود و در اساسی توافقی

در دوران رژیم شاه جنایتکار و پس از زلزله سال ۴۱ بوئین زهرا در قزوین زمینه برای سرمایه گذاری های غارتگران ایرانی، اسرائیلی و غیره در جهت استثمار هر چه بیشتر زحمتکشان در این مرحله به وجود آمد. زلزله بویرانی، زندگی روستائیان بوئین زهرا را هر چه بیشتر به نابودی کشاند و این عامل در تشدید استثمار و حشانه سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ نسبت به کشاورزان تاثیر به سزایی داشت. در این رابطه توسعه کشاورزی منطقه دشت قزوین به مهندسین مشاور اسرائیلی "تهال" سپرده شد و سازمان عمران دشت قزوین نیز تاسیس گشت.

بقيه در صفحه ۷

تور آیت الله مفتح و پاسداران را قویا محکوم می کنیم

در شرایطی که خلق های پهرمان ایران، نیروی خود را علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و طبقه سرمایه دار وابسته به آن بسیج می کند، در شرایطی که همه طبقات و اقشار خلق و همه نیروهای ترقی خواه خلق بیش از پیش ضرورت اتحاد و یکپارگی را در مبارزه علیه

امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته به آن درمی یابند، اینگونه اعمال تور و رستی به خدمت امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن در می آید و در تلاش برای ایجاد اغتشاش در اندام مردم و ایجاد تفرقه و تشتت میان صفوف خلق، به کار گرفته می شود.

تور آیت الله مفتح و پاسداران را قویا محکوم می کنیم

حمله مسلحانه به صف تظاهرات ضد امپریالیستی

- در تبریز مأموران کمیته به کمک ارتش و اوباش به راهپیمایان حمله کردند.
- هواداران سازمان در لنگرود با هشاری انقلابی توطئه های مرتجعین را خنثی کردند.
- در فیروزآباد فارس، راهپیمایی ضد امپریالیستی مردم مورد یورش دستهای از عناصر مرتجع و مزدور قرار گرفت.

در شرایطی که مبارزه با امپریالیسم بیش از هر چیز به وحدت نیروها و شرکت تمام گروه ها و جریان های سیاسی در آن نیاز دارد، مرتجعین و کوتاه بینان به شیوه های گوناگون سعی در تفرقه افکنی بین صفوف مبارزان و آب ریختن به آسیاب امپریالیسم دارند. اینها حتی به تظاهرات و راهپیمایی هایی که مشخصاً ضد امپریالیستی است و به خاطر نشان دادن خشم و کینه خلق نسبت به امپریالیسم برپا می شود، مسلحانه حمله می کنند و عناصر آگاهی را که فداشناسی ماهیت امپریالیسم و وابستگان داخلی اش را از اند مورد ضرب و شتم قرار می دهند، نمونه این حرکات

فاسدستی حمله به راهپیمایی های ضد امپریالیستی در تبریز و در فیروز آباد فارس و راهپیمایی شانزدهم آذر در محمودآباد و لنگرود است. به موجب خبری که در خبرنگارانه هواداران سازمان در فارس آمده است، روز پانزدهم آبان جوانان کوی طالقانی فیروزآباد فارس، به خاطر اعتراض به قرارداد های نظامی ایران و آمریکا، اعتراض به ملاقات بازرگان و بورژوازی و برای همگامی با مبارزات توده های زحمتکش علیه امپریالیسم آمریکا مردم را دعوت به یک راهپیمایی کردند. راهپیمایان که تعدادشان به سید نفی رسید با شعارهای "مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل"، "ارتجاع، ارتجاع خامی

کمک های مالی دریافت شده

اعداد زیر حاصل جمع کمک مالی (به ریال) با کد "انتخاب شاداست"

۱۰۰۶۱۷۴
۴۰۰۷۲۳
۲۰۰۱۳
۲۰۱۲
۵۱۲۴
۱۱۴۴۵
۳۶۱ ک
۲۸۳۷
۴-۱۲۰۰

توضیح درباره کمک های مالی

سازمان چریک های فدائی خلق ایران همواره تنها به حمایت مردم قهرمان ایران تکیه داشته و امروز هم مانند همیشه متکی بر پشتیبانی هواداران است.

کمک های مالی خود را از هر طریق که می شناسید و مطمئنان دارید، به دست رفقای سازمان برسانید. از آنجا که نمونه هایی دیده شده است که عده ای با مقاصد مختلف با استفاده از نام سازمان به جمع آوری کمک های مالی میادرت کرده اند، به دوستان و رفقای توصیه می کنیم برای اطمینان از دریافت کمک هایشان توسط سازمان به رابط دریافت کننده پول یک عدد سه رقمی هم که خود شما انتخاب کرده اید، همراه با حرف اول نام خود به عنوان "کد" بدهید.

سازمان "کد" مورد انتخاب شمارا با رقم مبلغی (به ریال) که به سازمان پرداخته اید جمع کرده و با حرف اول نام شما در نشریه "کار" به چاپ می رساند و به این ترتیب شما مطمئن خواهید یافت که کمک مالی شما به سازمان رسیده است. لازم به تذکر است که این رابطه به هیچ وجه ضمانت تشکیلاتی نداشته و هرگز نمی تواند رابطه سیاسی - تشکیلاتی تلقی گردد. ما از هم میهنان سازمانی خواهیم بود که با دقت کافی نسبت به این مسئله مانع از سوء استفاده عناصر فرصت طلب شوند.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر